

گرامر مقدماتی

جمله

مجموعه‌ای به هم پیوسته از کلمات است که پیامی را بیان می‌کند. جمله در زبان انگلیسی به ترتیب از چپ به راست با ساختار زیر نوشته می‌شود:

قید زمان + قید مکان + مفعول + فعل + فاعل

Example They watch TV at home every night.

فاعل فعل مفعول قید مکان قید زمان

آنها هر شب در خانه تلویزیون تماشا می‌کنند.

فاعل

به انجام دهنده کار فاعل می‌گویند که در جملات خبری در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. فاعل می‌تواند به صورت ضمیر یا اسم به کار رود. **مثال** علی آمد.

می‌توانیم به جای علی از ضمیر فاعلی استفاده کنیم و بنویسیم «او آمد».

ضمایر فاعلی

ضمایر فاعلی به جای اسم می‌نشینند و از تکرار آن جلوگیری می‌کنند، این ضمایر عبارت‌اند از:

I	من	we	ما
you	شما	you	شما
he	او (مذکر)	they	آنها
she	او (مؤنث)		
it	آن (اشیا)		

فعل

کلمه‌ای است که انجام گرفتن کاری یا روی دادن حالتی را نشان می‌دهد.

Example	• to go	رفتن	• to eat	خوردن
	• to come	آمدن	• to buy	خریدن

افعال to be

این افعال شامل am , is , are (به معنای هستن) در زمان حال هستند.

I	am	من هستم.	We	are	ما هستیم.
You	are	تو هستی.	You	are	شما هستید.
She/He/It	is	او هست.	They	are	آنها هستند.

Example	• It is a table.	آن یک میز است.
	• I am a student.	من دانش‌آموز هستم.

در زمان گذشته از was و were (به معنای بودن) استفاده می‌شود.

I	was	من بودم.	We	were	ما بودیم.
You	were	تو بودی.	You	were	شما بودید.
He/ She/ It	was	او بود.	They	were	آنها بودند.

- Example** • It was a table. آن یک میز بود.
- I was a student. من دانش‌آموز بودم.

سؤالی و منفی کردن جمله‌ها با افعال to be

در حالت سؤالی، کافی است جای افعال to be و فاعل را عوض کنیم.

- Example** • He is a doctor. → Is he a doctor?
او یک دکتر است. آیا او یک دکتر است؟
- He was a student. → Was he a student?
او یک دانش‌آموز بود. آیا او یک دانش‌آموز بود؟

برای منفی کردن هم کافی است که به فعل to be موردنظر، not اضافه کنیم.

- Example** • He isn't a doctor. او یک دکتر نیست.
- He wasn't a student. او یک دانش‌آموز نبود.

مفعول

کسی یا چیزی است که فاعل بر روی آن کاری را انجام می دهد.

Example • Ali saw Reza. علی، رضا را دید.
 فاعل فعل مفعول

• I watch football. من فوتبال تماشا می کنم.
 فاعل فعل مفعول

می توان به جای اسمی که در جای مفعول قرار گرفته، از ضمیر مفعولی استفاده کرد. این ضمایر عبارت اند از:

me	به من، من را	us	به ما، ما را
you	به تو، تو را	you	به شما، شما را
him	به او، او را (مذکر)	them	به آنها، آنها را
her	به او، او را (مؤنث)		
it	به آن، آن را		

Example • Ali saw Reza. → Ali saw him.
 علی، رضا را دید. علی او را دید.

• He eats a sandwich. → He eats it.
 او یک ساندویچ می خورد. او آن را می خورد.

• We meet Ali and Reza. → We meet them.
 ما علی و رضا را ملاقات می کنیم. ما آنها را ملاقات می کنیم.

قید مکان

این قیده‌ها مکان انجام گرفتن فعل را نشان می‌دهند:

at school	در مدرسه	here	اینجا
in the class	در کلاس	there	آنجا
at home	در خانه		

قید زمان

این قیده‌ها زمان انجام گرفتن فعل را در حال، گذشته و آینده نشان می‌دهند؛ برای آشنایی بیشتر با این قیده‌ها، برخی از آنها، مطابق با زمانشان، در جدول زیر آمده است:

قید زمان

گذشته	حال	آینده
yesterday دیروز	today امروز	tomorrow فردا
ago قبل	every day هر روز	next week هفته بعد
before قبل	each week هر هفته	soon به زودی

صفات ملکی

صفات هستند که همراه با اسم می‌آیند و بدون اسم معنای خاصی ندارند و مالکیت را می‌رسانند. این صفات عبارت‌اند از:

my	من	our	ما
your	تو	your	شما
his	او (مذکر)	their	آنها
her	او (مؤنث)		
its	آن		

- Example**
- This is my book. این کتاب من است.
 - She is my teacher. او معلم من است.
 - That is his car. آن ماشین او است.
 - Their pen is red. خودکار آنها قرمز است.

ضمایر ملکی

این ضمایر معمولاً به تنهایی و در انتهای جمله به کار می‌روند و مالکیت را نشان می‌دهند. این ضمایر عبارت‌اند از:

mine	مال من	ours	مال ما
yours	مال تو	yours	مال شما
his	مال او (مذکر)	theirs	مال آنها
hers	مال او (مؤنث)		
its	مال آن		

- | | | |
|----------------|----------------------|----------------------|
| Example | • This is my book. | این کتاب من است. |
| | • This book is mine. | این کتاب مال من است. |
| | • It is his car. | آن ماشینِ اوست. |
| | • That car is his. | آن ماشین مالِ اوست. |

حالا بعد از آشنایی با ساختار جمله‌ها، شما را با چند زمان اصلی و مهم در دورهٔ متوسطه (۱) آشنا می‌کنیم.



حال ساده

این زمان نشان‌دهندهٔ کاری است که به صورت عادت و تکرار و در زمان حال انجام می‌شود. ساختار این زمان به شکل زیر است:

فعل ساده + فاعل

منظور از فعل ساده، فعل بدون to است.

- | | | |
|----------------|---------------|---------------------|
| Example | • I go. | من می‌روم. |
| | • We eat. | ما غذا می‌خوریم. |
| | • They watch. | آنها تماشا می‌کنند. |

نکات در مورد زمان حال ساده به نکات زیر دقت کنید:

❶ اگر فاعل سوم شخص مفرد (he , she , it) باشد، به فعل "s" اضافه می‌شود.

Example He works/ She eats/ It runs.

۲ وقتی فاعل جمله سوم شخص مفرد (it , she , he) است و فعل به "z , o , x , sh , ch , s" ختم شده است، به جای "s" به فعل مورد نظر "es" اضافه می‌شود.

Example He watches/ she misses/ it mixes.

۳ در افعالی که به "y" ختم می‌شوند، اگر قبل از "y" یک حرف صدادار (a , i , e , o , u) آمده باشد، در سوم شخص مفرد فعل مورد نظر فقط "s" می‌گیرد.
play → plays

۴ اگر فعلی به حرف "y" ختم شود و قبل از "y" حرف صدادار نباشد، در سوم شخص مفرد "y" را برمی‌داریم و به جای آن ابتدا "i"، سپس "es" می‌گذاریم.

Example • carry → carries

• study → studies

سوآلی و منفی کردن زمان حال ساده با افعال to be

اگر جمله‌ای با am , is , are نوشته شده باشد، در حالت سوآلی کافی است که جای فاعل را با فعل to be عوض و در حالت منفی not را به فعل to be مربوط اضافه کنیم.

Example • He is a student. او یک دانش‌آموز است.

• Is he a student? آیا او یک دانش‌آموز است؟

• He is not a student. او یک دانش‌آموز نیست.

سوآلی و منفی کردن زمان حال ساده بدون افعال to be

① در مورد جمله‌هایی که در زمان حال ساده افعال to be ندارند، از do و does استفاده می‌شود. ابتدا باید از فعل کمکی do یا does قبل از فاعل استفاده کنیم و فقط اگر جمله‌ای با does سوآلی شود، فعل آن باید به صورت ساده نوشته شود.

Example • Ali goes to school every day.

علی هر روز به مدرسه می‌رود.

Does Ali go to school every day?

آیا علی هر روز به مدرسه می‌رود؟

• They go to school every day.

آنها هر روز به مدرسه می‌روند.

Do they go to school every day?

آیا آنها هر روز به مدرسه می‌روند؟

② برای منفی کردن کافی است "doesn't" و "don't" را قبل از فعل اصلی و بعد از فاعل بیاورید. فقط به خاطر داشته باشید در صورت استفاده از doesn't فعل اصلی باید به صورت ساده نوشته شود.

Example • They go to school every day.

آنها هر روز به مدرسه می‌روند.

They don't go to school every day.

آنها هر روز به مدرسه نمی‌روند.

- Ali goes to school every day.

علی هر روز به مدرسه می‌رود.

Ali doesn't go to school every day.

علی هر روز به مدرسه نمی‌رود.

زمان حال استمراری

این زمان نشان‌دهندهٔ عملی است که در زمان حال به‌طور مستمر در حال انجام است. ساختار این زمان به صورت زیر است:

فاعل + am/is/are + فعل + ing

Example • I am watching TV.

من دارم تلویزیون نگاه می‌کنم.

- She is studying physics.

او دارد فیزیک مطالعه می‌کند.

نکات هنگام اضافه کردن ing به انتهای فعل به نکات زیر دقت کنید:
① وقتی فعل به حرف e ختم می‌شود، در هنگام اضافه کردن ing، e را باید حذف کرد.

Example • come → coming

• take → taking

• have → having

② در افعالی که یک بخشی هستند و به حرف بی صدا ختم شوند، اگر قبل از حرف بی صدا، فقط یک حرف صدا داشته باشیم (a, e, o, i, u)، در هنگام ing گرفتن حرف آخر تکرار و به آن ing اضافه می‌شود.

Example • sit → sitting

• put → putting

③ اگر دو حرف صدادار داشته باشند، حرف آخر تکرار نمی‌شود.

Example read → reading

سؤالی و منفی کردن زمان حال استمراری

برای سؤالی کردن این زمان، کافی است جای فعل to be و فاعل را عوض کنیم.

Example • She is studying physics.

او فیزیک مطالعه می‌کند.

Is she studying physics?

آیا او فیزیک مطالعه می‌کند؟

در هنگام منفی کردن کافی است not را به فعل to be اضافه کنید.

Example She is not studying physics.

او فیزیک مطالعه نمی‌کند.

علائم و نشانه‌های زمان حال استمراری

از این علائم در زمان حال استمراری استفاده می‌شود:

now	حالا	this year	این سال
at present	در حال حاضر	this week	این هفته
at the moment	در این لحظه		

زمان گذشته ساده

این زمان نشان دهنده این است که کاری در گذشته انجام گرفته و تمام شده است. ساختار این زمان عبارت است از:

فعل گذشته + فاعل

برای ساختن زمان گذشته ساده باید دقت کنیم که افعال دو نوع است:

① **افعال باقاعده:** در این گونه افعال کافی است که پسوند ed را به انتهای فعل اضافه کنید.

Example • work → worked • watch → watched

② **افعال بی قاعده:** در این افعال شکل فعل در هنگام تبدیل به زمان گذشته تغییر می کند. (در سال های بعد با آن آشنا می شویم.)

Example • go → went • see → saw

علائم و نشانه های زمان گذشته

(دیروز) yesterday ، (قبل) ago ، (قبل) before ، (شب گذشته) last night

Example • I watched TV last night.

من دیشب تلویزیون تماشا کردم.

• She worked hard yesterday.

او دیروز سخت کار کرد.

• They went to school.

آنها به مدرسه رفتند.

نحوهٔ سؤالی و منفی کردن زمان گذشته

برای سؤالی و منفی کردن این زمان از فعل کمکی did استفاده می‌شود. به این صورت که در حالت سؤالی "did" در ابتدای جمله می‌آید و در حالت منفی "didn't" قبل از فعل اصلی و بعد از فاعل قرار می‌گیرد. فقط توجه کنید، اگر جمله‌ای را با did سؤالی یا منفی کردید، فعل جمله باید از حالت گذشته خارج شود و به صورت ساده نوشته شود.

Example She worked hard yesterday.

او دیروز سخت کار کرد.

Did she work hard yesterday?

آیا او دیروز سخت کار کرد؟

She didn't work hard yesterday.

او دیروز سخت کار نکرد.

نحوهٔ سؤالی کردن با کلمات پرسشی (Wh questions)

① who (چه کسی؟)، what (چه چیزی؟):

به معنای «چه کسی، چه چیزی» هستند و اگر دربارهٔ فاعل جمله سؤال کنند، کافی است که آنها را به جای فاعل جمله قرار دهیم و فاعل را حذف کنیم. هیچ تغییر دیگری لازم نیست.

Example

- Reza goes to school every day.

فاعل

رضا هر روز به مدرسه می رود.

Who goes to school every day?

چه کسی هر روز به مدرسه می رود؟

- His dog runs fast. سگ او سریع می دود.

What runs fast?

چه چیزی سریع می دود؟

② whom (چه کسی را؟)، what (چه چیزی را؟):

به معنای «چه کسی را» و «چه چیزی را» هستند و از مفعول جمله سؤال می کنند. برای سؤالی کردن باید whom یا what را در ابتدای جمله بگذاریم. اگر جمله فعل to be داشت، جای فعل to be و فاعل را عوض کرده سپس مفعول را حذف می کنیم ولی اگر جمله فعل کمکی نداشت، به زمان جمله دقت می کنیم؛ در صورتی که زمان جمله حال بود از do و does و اگر زمان جمله گذشته بود از did برای سؤالی کردن استفاده می کنیم.

Example

- David met the manager yesterday.

زمان گذشته

مفعول

دیوید دیروز مدیر را ملاقات کرد.

Did David meet the manager yesterday?

آیا دیوید دیروز مدیر را ملاقات کرد؟

- David ate a sandwich last night.

مفعول زمان گذشته

دیوید دیشب یک ساندویچ خورد.

Did David eat a sandwich last night?

آیا دیوید دیشب یک ساندویچ خورد؟

جمله‌ها را به حالت سؤالی درآوریم. توجه کنید وقتی جمله با did در سؤالی می‌شود فعل جمله را باید به زمان حال بنویسیم. حالا در قدم دوم، what / whom را در ابتدای جمله گذاشته و مفعول را حذف می‌کنیم.

- Example** • Whom did David meet yesterday?

دیوید چه کسی را دیروز ملاقات کرد؟

- What did David eat last night?

دیوید شب گذشته چه چیزی خورد؟

③ Where (کجا؟):

همان‌طور که می‌دانیم Where به معنای چه جایی و کجا بوده و از مکان کار سؤال می‌کند. در این حالت جمله را سؤالی کرده سپس where را در ابتدای جمله می‌گذاریم و قید مکان را حذف می‌کنیم.

- Example** • He was in the school yesterday.

گذشته افعال

to be

قید مکان

اه دیروز در مدرسه بود.

Where was he yesterday? او دیروز کجا بود؟

- She often takes his old mother to the park.

زمان حال

قید مکان

او اغلب مادر پیرش را به پارک می برد.

Where does she often take his old mother?

او اغلب مادر پیرش را کجا می برد؟

نکات گرامری پایه هشتم

1 برای پرسیدن ملیت یک شخص از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

Where + to be فعل + فاعل + from?

Example • Where are you from?

شما اهل کجا هستید؟

• Where is Ali from?

علی اهل کجاست؟

• Where are your friends from?

دوستان شما اهل کجا هستند؟

و برای پاسخ‌دهی به صورت زیر عمل می‌کنیم:

اگر در جمله سؤالی from به کار رفته بود، باید بعد از from اسم یک کشور را بیاوریم ولی بعد از am، is، are باید از ملیت استفاده کنیم.

Example • I am from Iran. / I am Iranian.

من اهل ایران هستم. / من ایرانی هستم.

• Ali is from Canada. / He is Canadian.

علی اهل کانادا است. / او کانادایی است.

• They are from England. / They are English.

آنها اهل انگلستان هستند. / آنها انگلیسی هستند.

- برای پرسیدن ملّیت از جمله‌های پرسشی زیر نیز استفاده می‌شود که در این حالت با Yes و No، پاسخ می‌دهیم.
به مثال‌های زیر دقت کنید:

Example • Are you from Iran?

آیا شما اهل ایران هستید؟

Yes, I am. I am from Iran.

بله، هستم. من اهل ایران هستم.

Yes, I am. I am Iranian.

بله، هستم. من ایرانی هستم.

- Is Ali Spanish?

آیا علی اسپانیایی است؟

No, he's not. He isn't Spanish.

نه، او نیست. او اسپانیایی نیست.

۲ برای سؤال پرسیدن دربارهٔ فعالیت‌های روزانه از الگوی زیر استفاده کنیم:

What + do/dose + فاعل + do + جملهٔ جمله؟

Example • What do you do today?

امروز چه کار می‌کنی؟

- What do Iranian do on weekends?

ایرانی‌ها در تعطیلات آخر هفته چه کار می‌کنند؟

- What dose Ali do on Fridays?

علی جمعه‌ها چه کار می‌کند؟

حالا به پاسخ‌ها دقت کنید (البته شما می‌توانید به صورت‌های مختلفی پاسخ بدهید).

- Example**
- I go to school. من به مدرسه می‌روم.
 - They watch TV. آنها تلویزیون تماشا می‌کنند.
 - He plays football. او فوتبال بازی می‌کند.

نکته: برای پرسیدن زمان فعالیت‌های روزانه می‌توان از الگوی زیر استفاده کرد:

When / What days + do / does + فاعل + فعل + جمله + ادامه؟

- Example**
- When do you study English?

چه موقع تو انگلیسی می‌خوانی؟

I study English on Mondays.

من دوشنبه‌ها انگلیسی می‌خوانم.

- What days does Ali play football?

چه روزهایی علی فوتبال بازی می‌کند؟

Ali plays football on the weekends.

علی آخر هفته‌ها فوتبال بازی می‌کند.

دقت کنید که هنگام سؤالی کردن برای سوم شخص مفرد از فعل does استفاده می‌شود و هنگام پاسخگویی نیز «s» یا «es» به فعل اضافه می‌شود. (در توضیح زمان حال ساده همه این موارد توضیح داده شده است).

۳ هرگاه بخواهیم دربارهٔ توانایی‌های شخصی صحبت کنیم از can و be good at استفاده می‌کنیم. can یک فعل کمکی است و بعد از آن حتماً باید از یک فعل ساده استفاده شود. در مورد be good at باید به دو نکته توجه کنید:

① at حرف اضافه است و بعد از آن فعل باید همراه با ing بیاید.

② هنگام نوشتن جمله باید از شکل درست فعل to be با توجه به فاعل استفاده کنیم.

	he	we
I → am	she → is	you → are
	it	they

Example • I am good at playing chess.

من در بازی شطرنج مهارت دارم.

• You are good at swimming.

تو در شنا کردن مهارت داری.

• We can play football.

ما می‌توانیم فوتبال بازی کنیم.

• He can draw a picture.

او می‌تواند یک نقاشی بکشد.

برای منفی کردن جمله‌های بالا کافی است not را به can یا به فعل to be اضافه کنید.

Example • You are not good at swimming.

تو در شنا کردن مهارت نداری.

- We can not play football.

مانمی توانیم فوتبال بازی کنیم.

- He can not draw a picture.

او نمی تواند یک نقاشی بکشد.

و برای حالت سؤالی هم می توانید can و افعال to be را در ابتدای جمله بیاورید. به عبارت دیگر باید جای can یا فعل to be با فاعل عوض شود.

Example ● Are you good at swimming?

آیا تو در شنا کردن مهارت داری؟

- Can we play football?

آیا ما می توانیم فوتبال بازی کنیم؟

- Can he draw a picture?

آیا او می تواند یک نقاشی بکشد؟

۴ اگر بخواهیم از شخصی دربارهٔ سلامتی اش یا اینکه چه مشکلی دارد سؤال کنیم، از ترکیبات زیر استفاده می کنیم:

Example ● What's wrong?

- What's the matter?

مشکل چیست؟

- What's the problem?

Example ● Are you OK?

آیا شما خوب هستید؟

- Are you all right?

آیا شما سلامت هستید؟

و برای جواب دادن از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

نام بیماری + **have / has + a / an** + فاعل

- Example**
- I have a headache. من سردرد دارم.
 - She has a sore throat. او گلودرد دارد.
 - He has a running nose. او آبریزش بینی دارد.
 - I have the flue. من آنفولانزا دارم.

برای ارائه توصیه‌های سلامتی می‌توان از الگوهای زیر استفاده کرد:

ادامه جمله + فعل ساده ①

- Example**
- Get some rest. کمی استراحت کن.
 - Go to the doctor. برو دکتر.
 - Go to the dentist. به دندان‌پزشک مراجعه کن.

فعل ساده + **You + should** ②

should به معنای باید است ولی در واقع اجبار نیست، بلکه توصیه و نصیحت است.

- Example**
- You should rest. تو باید (بهتر است) استراحت کنی.
 - You should go to the dentist.

تو باید (بهتر است) به دندان‌پزشک بروی.

۳ Why don't you + فعل ساده ؟

Example • Why don't you get some rest?

چرا کمی استراحت نمی‌کنی؟

• Why don't you see a doctor?

چرا به پزشک مراجعه نمی‌کنی؟

There is به معنای «وجود دارد» است و برای اسم‌های مفرد و غیر قابل شمارش استفاده می‌شود، در حالی که There are به معنای «وجود دارند» است و برای اسامی جمع در ابتدای جمله به کار می‌رود.

Example • There is a book on the desk.

یک کتاب روی میز وجود دارد.

• There are many libraries in Tehran.

کتابخانه‌های زیادی در تهران وجود دارند.

• There is one mosque in the village.

یک مسجد در روستا وجود دارد.

برای سؤالی کردن این ترکیبات کافی است جای is / are و there را عوض کنیم و در حالت منفی not را به is و are اضافه کنیم.

Example • Is there a book on the desk?

آیا یک کتاب روی میز وجود دارد؟

• There is not a book on the desk.

روی میز یک کتاب وجود ندارد.

۶ برای پرسش دربارهٔ موقعیت جغرافیایی یک مکان از کلمهٔ پرسشی Where استفاده می‌کنیم (البته در قسمت گرامر مقدماتی دربارهٔ نحوهٔ سوآلی کردن جمله‌ها با کلمهٔ Where به تفصیل صحبت کرده‌ایم)، به الگوی زیر دقت کنید:

سؤال → **Where + is** + کشور یا شهر ؟

پاسخ → **It is** + مکان

Example

• Where is Isfahan?

It is in the center of Iran.

اصفهان کجاست؟

آن در مرکز ایران است.

• Where is Rasht?

It is in the north.

رشت کجاست؟

آن در شمال است.

۷ برای پرسش دربارهٔ ویژگی‌های یک مکان از الگوهای زیر می‌توان استفاده کرد:

① **What's + like** + نام کشور یا شهر ؟

It is + ویژگی شهر یا کشور

Example

• What is Kerman like?

It is an old city.

کرمان چه ویژگی دارد؟

آن یک شهر قدیمی است.

② What's + نام شهر یا کشور + famous for ?

For + its + شهر یا کشور

Example • What is Kerman famous for?

کرمان برای چه چیزی معروف است؟

For its old buildings.

برای ساختمان‌های قدیمی‌اش.

⑧ برای پرسیدن دربارهٔ سرگرمی یا اوقات فراغت یک نفر می‌توان از سؤال‌های زیر استفاده کرد:

Example • What's your hobby? سرگرمی شما چیست؟

I watch TV.

من تلویزیون تماشا می‌کنم.

• What do you do as a hobby?

به عنوان سرگرمی چه کار می‌کنید؟

I read newspaper.

من روزنامه می‌خوانم.

• What do Iranian do in free / spare time?

ایرانی‌ها در اوقات فراغت چه کار می‌کنند؟

They play football.

آنها فوتبال بازی می‌کنند.

• Do you have any hobby?

آیا هیچ سرگرمی دارید؟

Yes I do. I like listening to music.

Lesson 1

درس ۱

فعل‌های to be

فعل‌های to be، در زبان انگلیسی شامل am , is , are در زمان حال و was , were در زمان گذشته هستند. البته در این درس ما فقط با am , is , are سروکار داریم که بعد از فاعل قرار می‌گیرند.

ضمایر فاعلی	فعل‌های to be	مثال
I	am	I am a student.
You	are	You are a student.
He	is	He is a student.
She		She is a student.
We	are	We are students.
You		You are students.
They		They are students.

● اگر بخواهیم فعل‌های to be را به صورت اختصاری بنویسیم به شکل زیر عمل می‌کنیم:

I am → I'm

She is → She's

You are → You're

He is → He's

We are → We're

They are → They're

نحوه سؤالی کردن

برای سؤالی کردن جمله‌هایی که فعل to be دارند، کافی است جای فاعل و فعل to be را با هم عوض کنیم.

Example

- She is clever.
Is she clever?
- They are clever.
Are they clever?
- We are clever.
Are we clever?

نحوه منفی کردن

برای منفی کردن این جمله‌ها کافی است بعد از فعل to be، not اضافه کنیم.

Example

- I am clever.
I am not clever.
- She is clever.
She is not clever.
- You are clever .
You are not clever.

البته اگر بخواهیم حالت منفی را به صورت اختصاری بنویسیم، به صورت زیر عمل می‌کنیم:

Example

- She is not clever. → She isn't clever.
- You are not clever. → You aren't clever.

نکته: I am not را نمی‌توان به شکل مخفف نوشت.

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و معمولاً آن را در یکی از حالت‌های زیر به کار می‌بریم.

۱ قبل از اسم:

- Example**
- a bad day
 - an interesting book
 - a beautiful flower
 - an old man

🗨️ **نکته:** اگر اسمی که می‌خواهیم توصیف کنیم مفرد و حرف اول صفت، یکی از حروف صدادار باشد (u , i , o , e , a) از حرف تعریف an و در غیر این صورت از حرف تعریف a استفاده می‌کنیم.

۲ بعد از فعل‌های to be

- Example**
- He is old.
 - They are famous.

There is , There are

این دو عبارت به معنای «وجود داشتن» است، با این تفاوت که «there is» را برای اسامی مفرد و «there are» را برای اسامی جمع به کار می‌بریم.

- Example**
- There is a book in my bag.
 - There are two books in my bag.

برای سؤالی کردن این عبارت‌ها کافی است جای is و are را با there عوض کنیم و برای منفی کردن not را به is و are اضافه کنیم.

Example • Is there a book in my bag? (جملهٔ سؤالی)

• There is not a book in my bag. (جملهٔ منفی)

بیشتر بدانیم

برای پرسیدن دربارهٔ شخصیت افراد از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

What + is /are + فاعل + like?

Example • What is she like?

• What are your friends like?

و در جواب از صفت‌هایی که بیان‌کنندهٔ شخصیت فرد است استفاده می‌کنیم.

Example • She is very brave. • They are clever.

درس ۲

حال استمراری

زمان حال استمراری کاری را نشان می‌دهد که هم‌اکنون در حال انجام است. ساختار این زمان به صورت زیر است:

ing + فعل اصلی + فعل **to be** + فاعل

- Example**
- I am writing a letter.
 - You are writing a letter.
 - He is writing a letter.

سؤالی کردن

برای سؤالی کردن جمله‌ها در این زمان، جای فعل **to be** و فاعل را عوض می‌کنیم.

- Example**
- He is writing a book.
Is he writing a book?
 - They are watching TV.
Are they watching TV?

برای منفی کردن کافی است not را به فعل to be اضافه کنیم.

Example

- He is writing a book.
He isn't writing a book.
- They are not writing a book.
They aren't writing a book.

سؤالی کردن با کلمه‌های پرسشی

① who (چه کسی؟) و what (چه چیزی؟):

کلمه‌های پرسشی who به معنای چه کسی و what به معنای چه چیزی، دربارهٔ فاعل جمله سؤال می‌کنند. یعنی اگر فاعل جمله شخص باشد از کلمهٔ پرسشی who و در غیر این صورت از کلمهٔ پرسشی what استفاده می‌کنیم. برای این منظور who یا what را در ابتدای جمله به جای فاعل می‌آوریم و ادامهٔ جمله را بدون تغییر می‌نویسیم.

Example

- Ali goes to school every day.
فاعل
Who goes to school every day?
- His car goes fast.
فاعل
What goes fast?

۲) whom (چه کسی را؟) و what (چه چیزی را؟):

کلمه‌های پرسشی whom به معنای چه کسی را و what به معنای چه چیزی را دربارهٔ مفعول جمله سؤال می‌کنند. یعنی اگر مفعول جمله شخص باشد از کلمهٔ پرسشی whom و در غیر این صورت از کلمهٔ پرسشی what استفاده می‌کنیم. برای طرح سؤال با این کلمه‌های پرسشی، آنها را ابتدای جمله قرار می‌دهیم. حال اگر جمله، فعل کمکی داشت از همان فعل کمکی استفاده می‌کنیم؛ ولی اگر جمله فعل کمکی نداشت به زمان جمله دقت می‌کنیم. وقتی زمان جمله حال باشد، از do یا does و اگر زمان جمله گذشته باشد، از did استفاده کرده و در نهایت مفعول جمله را حذف می‌کنیم. ساختار این جمله‌ها به صورت زیر است:

ادامهٔ جمله بدون مفعول + فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + کلمهٔ پرسشی

Example • Ali is talking to his friend.

مفعول فعل کمکی

Whom is Ali talking to?

• Ali eats his food every day.

مفعول فعل
حال ساده

What does Ali eat every day?

• Ali met his friend yesterday.

مفعول فعل گذشته

Whom did Ali meet yesterday?

۳ How (چگونه؟):

برای پرسیدن دربارهٔ حالت و چگونگی انجام کاری از کلمهٔ پرسشی how استفاده می‌کنیم. نحوهٔ سؤالی کردن مانند کلمه‌های پرسشی قبلی است؛ یعنی بعد از how به فعل کمکی نیاز است. اگر جمله فعل کمکی داشت، از آن استفاده می‌کنیم و در غیر این صورت اگر زمان جمله حال باشد از do یا does و اگر گذشته باشد از did استفاده کرده و در پایان قید حالت را حذف می‌کنیم. برای آشنایی بیشتر با این جمله‌ها به ساختار زیر توجه کنید:

ادامهٔ جمله بدون قید حالت + فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + How

Example • Ali is travelling by train.

How is Ali travelling?

• Ali worked hard yesterday.

قید حالت

How did Ali work yesterday?

• Ali drives slowly.

قید حالت

How does Ali drive?

۴ when (چه وقت؟) و where (کجا؟):

when و where به ترتیب دربارهٔ مکان و زمان جمله سؤال می‌کنند. برای طرح سؤال با این کلمات از ساختار زیر استفاده می‌کنیم:

+ فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + Where / When

ادامهٔ جمله بدون قید زمان / ادامهٔ جمله بدون قید مکان

Example He goes to the park in the morning.

قید مکان قید زمان

Where does he go in the morning?

When does he go to the park?

۵ Why (چرا؟):

برای پرسیدن دربارهٔ دلیل و انگیزهٔ انجام یک کار از کلمهٔ پرسشی why استفاده می‌کنیم. هنگام طرح سؤال با این کلمه مانند کلمه‌های پرسشی قبل عمل می‌کنیم، با این تفاوت که باید دلیل را از جمله حذف کنیم. ساختار این نوع جمله‌ها به صورت زیر است:

ادامهٔ جمله بدون دلیل + فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + Why

Example Ali studies hard to pass the exam.

دلیل

Why does Ali study hard?

نکات

① اگر فاعل جمله سوم شخص مفرد باشد، هنگام سؤالی کردن s سوم شخص را حذف، سپس از فعل کمکی does بعد از کلمهٔ پرسشی استفاده می‌کنیم.

② اگر زمان جمله گذشته باشد، هنگام سؤالی کردن فعل اصلی را به زمان حال تبدیل می‌کنیم، سپس از فعل کمکی did بعد از کلمهٔ پرسشی استفاده می‌کنیم.

❶ مالکیت انسان: برای نشان دادن تعلق چیزی به انسان از 's (آپاستروف اس) استفاده می‌کنیم.

- Example**
- Ali's car
 - Reza's school
 - my mother's bag

نکات

❶ اگر اسم مورد نظر (مالک) s جمع داشته باشد فقط کافی است آپاستروف (') را بعد از s قرار دهیم.

- Example**
- teachers' office
 - girls' dresses

❷ وقتی در جمله دو اسم یا بیشتر داریم، فقط اسم آخر s می‌گیرد.

Example Ali and Reza's car is in the garage.

❷ مالکیت غیرانسان: برای نشان دادن مالکیت برای اسامی غیرانسان از of استفاده می‌کنیم.

- Example**
- the door of the class
 - the legs of the table

درس ۳

زمان حال ساده

این زمان اشاره به کاری دارد که به صورت عادت و تکرار انجام می‌شود. همچنین برای بیان حقایق علمی همیشه از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم. ساختار این زمان به صورت زیر است:

فعل ساده + فاعل

- Example**
- I work
 - You work
 - She works
 - He works
 - We work
 - You work
 - They work

نکات

① در زمان حال ساده اگر فاعل جمله سوم شخص مفرد باشد، به فعل s یا es اضافه می‌کنیم.

- Example**
- He works
 - She eats
 - It runs

② اگر فاعل سوم شخص مفرد باشد و فعل جمله هم به یکی از حروف s, sh, ch, x, o, z ختم شود، به جای s به فعل es اضافه می‌کنیم.

- Example**
- He watches
 - She misses
 - It mixes

③ اگر فعل جمله به y ختم شود و قبل از y حروف صدادار (u, i, o, e, a) داشته باشیم، در حالت سوم شخص مفرد فعل مورد

نظر فقط s می‌گیرد. **Example** play → plays

④ اگر در فعل جمله قبل از y حرف صدادار نداشته باشیم، در حالت سوم شخص مفرد y را حذف، i را جایگزین، سپس es را اضافه می‌کنیم.

Example • carry → carries • study → studies

نحوه منفی کردن

برای منفی کردن جمله‌ها در زمان حال ساده از do + not / n't استفاده می‌کنیم؛ مگر این که فاعل جمله سوم شخص مفرد باشد، که در این صورت does + not / n't را به کار می‌بریم و s یا es فعل را هم حذف می‌کنیم.

Example

- We live together.
We don't live together.
- He works hard.
He doesn't work hard.

سؤالی کردن

برای سؤالی کردن جمله‌ها در زمان حال ساده از do و does (برای سوم شخص) در ابتدای جمله استفاده می‌کنیم. فقط اگر جمله‌ای را با does سؤالی کردیم، باید s یا es فعل را حذف کنیم.

Example

- They work hard.
Do they work hard?
- He works hard.
Does he work hard?

علائم و نشانه‌های زمان حال ساده

❶ وجود قید زمان در جمله؛ مانند قیدهایی که در نمودار زیر آمده است:

each
every
during } قید زمان +

❷ وجود قید تکرار در جمله؛ در نمودار زیر تعدادی از این قیدها آمده است (در درس ۴ با این قیدها به طور مفصل آشنا می‌شوید):

always (همیشه)

never (هرگز)

ever (تاکنون)

sometimes (گاهی اوقات)

often (اغلب)

usually (معمولاً)

صفات ملکی

صفاتى هستند که مالکیت را نشان می‌دهند و قبل از اسم می‌آیند.

my	من	our	ما
your	شما	your	شما
his	او (مذکر)	their	آنها
her	او (مؤنث)		
its	آن (اشیا، حیوان)		

- Example**
- This is my car.
 - That is her watch.
 - The bird is in its nest.
 - He is our friend.
 - It is your chair.
 - Sarah is their mother.

درس ۴

جمله‌های سؤالی همراه با کلمه‌های پرسشی (how, where, when, what, who)

در این درس با نحوه سؤالی کردن جمله با استفاده از برخی از کلمه‌های پرسشی آشنا می‌شوید. این کلمات عبارت‌اند از who (چه کسی؟)، what (چه چیزی؟)، where (کجا؟)، when (چه وقت؟) و how (چطور؟).

برای سؤالی کردن با این کلمات پرسشی باید نکات زیر را رعایت کنیم:

① وقتی فاعل جمله مورد سؤال قرار بگیرد، فاعل را برمی‌داریم و کلمه پرسشی who یا what را قرار می‌دهیم. (در گرامر درس ۲ به طور مفصل توضیح داده شده است.)

Example • Ali goes to school every day.

فاعل

Who goes to school every day?

② در مورد سایر جمله‌ها، اگر جمله فعل کمکی داشت (had, can, will, am, is, are...)، از همان فعل کمکی استفاده کرده و جای فاعل و فعل کمکی را عوض می‌کنیم و جمله را به صورت سؤالی در می‌آوریم. فقط باید آن نکته‌ای را که مورد سؤال قرار گرفته از جمله حذف کنیم.

Example He will go to school by bus tomorrow

When will he go to school by bus?

Where will he go by bus tomorrow?

How will he go to school tomorrow?

③ اگر جمله فعل کمکی نداشت، به زمان جمله دقت می‌کنیم. هنگامی که زمان جمله حال باشد از do یا does (برای سوم شخص مفرد) و وقتی که زمان جمله گذشته باشد از did برای سؤالی کردن استفاده می‌کنیم (درس ۵ و ۶).

Example • They go to school tomorrow.

When do they go to school?

Where do they go tomorrow?

• He went to school yesterday.

When did he go to school.

Where did he go yesterday?

قید تکرار

قیدهای تکرار قیدهایی هستند که تعداد دفعات انجام یک کار در مدت زمانی مشخص را نشان می‌دهند. به بیان دیگر به ما می‌گویند یک کار چند وقت یک بار اتفاق می‌افتد. مهم‌ترین این قیدها

به ترتیب تناوب و تکرار بیشتر عبارت اند از:

↑ ۱۰۰٪	always	همیشه
	usually	معمولاً
	often	اغلب
	sometimes	گاهی اوقات
	seldom	به ندرت
↓ ۰٪	never	هرگز

جایگاه قیدهای تکرار در جمله

۱ اگر فعل جمله جزء افعال اصلی باشد، قید تکرار بعد از فاعل و قبل از فعل اصلی می آید.

Example • I often go to the cinema.

• We usually drink coffee.

۲ اگر فعل جمله جزء افعال (am, is, are, was, were) to be باشد، قید تکرار بعد از آن می آید.

Example • I am never late.

• They were always noisy.

۳ اگر در جمله ای دو فعل کمکی داشته باشیم قیدهای تکرار را بین

Example I have never been to Asia. آنها به کار می بریم.

درس ۵

زمان گذشته ساده

این زمان معمولاً برای بیان وقایعی که یک یا چند بار در گذشته اتفاق افتاده، استفاده می‌شود و با ساختار زیر به کار می‌رود:

فعل گذشته + فاعل

فعل های گذشته در زبان انگلیسی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱ فعل های باقاعده: با اضافه کردن ed به پایان این فعل ها، آنها را به گذشته تبدیل می‌کنیم.

Example want → wanted

۲ فعل های بی قاعده (که در درس بعد با آنها آشنا خواهید شد).

نکات

۱ اگر فعلی به حرف e ختم شود، فقط کافی است که به آخر آن d اضافه کنیم.

Example receive → received

۲ اگر فعلی به حرف y ختم شود و قبل y یک حرف بی صدا باشد، هنگام اضافه کردن ed، y را به i تبدیل کرده، سپس ed را اضافه می‌کنیم.

Example study → studied

۳) اگر فعلی به حرف y ختم شود و قبل از y یکی از حروف صدادار (a, i, e, o, u) باشد، بدون هیچ‌گونه تغییری تنها به پایان فعل ed

اضافه می‌کنیم. **Example** play → played

نحوهٔ سؤالی و منفی کردن

برای سؤالی و منفی کردن جمله در زمان گذشتهٔ ساده از فعل کمکی did استفاده می‌کنیم؛ به این ترتیب که در حالت سؤالی did را قبل از فاعل جمله می‌آوریم و برای منفی کردن did not / didn't را قبل از فعل اصلی قرار می‌دهیم. در هر دو حالت فعل جمله را باید به صورت ساده بنویسیم.

Example He watched TV yesterday.

He didn't watch TV yesterday.

Did he watch TV yesterday?

🗨️ **نکته:** برای سؤالی کردن جمله‌های گذشته با کلمه‌های پرسشی (Wh Questions) فقط کافی است از فعل کمکی did استفاده کنیم. (در زمان حال از فعل‌های کمکی do و does استفاده می‌کردیم.) دقت کنید که هنگام سؤالی کردن ed را حذف می‌کنیم و فعل را به صورت ساده می‌نویسیم.

Example He watched TV at home yesterday.

When did he watch TV at home?

Where did he watch TV yesterday?

● در جمله‌های سؤالی که فاعل جمله مورد سؤال قرار می‌گیرد، نیازی به اضافه کردن فعل کمکی did نیست و فقط فاعل را حذف می‌کنیم و به جای آن کلمه پرسشی who یا what را قرار می‌دهیم و ادامه جمله را بدون تغییر می‌نویسیم.

Example Ali watched TV at home yesterday.

فاعل

Who watched TV at home yesterday?

زمان گذشته فعل‌های to be

با فعل‌های (am, is, are) to be در درس اول آشنا شدید. در زمان گذشته ساده این فعل‌ها به was و were تبدیل می‌شوند.

ضمیر فاعلی	زمان گذشته فعل to be
I	was
he	was
she	was
it	was
we	were
you	were
they	were

نحوه سؤالی و منفی کردن

در صورتی که فعل های to be فعل اصلی جمله به حساب بیایند، برای سؤالی و منفی کردن جمله نیازی به فعل کمکی نداریم و از همین فعل ها استفاده می کنیم. به این ترتیب که در حالت سؤالی جای فعل و فاعل را عوض و در حالت منفی not را به فعل اضافه می کنیم.

Example She was clever.

Was she clever?

She was not clever.

درس ۶

زمان گذشته ساده (فعل‌های بی‌قاعده)

همان‌طور که در درس قبل آموختید فعل‌های زبان انگلیسی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱ فعل‌های با قاعده: فعل‌هایی هستند که در زمان گذشته به انتهای آنها، ed اضافه می‌شود. (در درس قبل با آنها آشنا شدید.)

۲ فعل‌های بی‌قاعده: فعل‌هایی هستند که در زمان گذشته به انتهای آنها ed اضافه نمی‌شود، بلکه شکل آنها تغییر می‌کند. لیست این فعل‌ها در انتهای کتاب درسی آمده است و چاره‌ای جز حفظ کردن آنها نیست.

Example • go → went

• fall → fell

• begin → began

نکته: برخی از فعل‌های بی‌قاعده در زمان حال و گذشته شکلی یکسان دارند.

Example • let → let

• put → put

• cut → cut

نحوه سؤالی و منفی کردن

برای سؤالی کردن جمله‌هایی که فعل بی‌قاعده دارند از فعل کمکی did استفاده می‌کنیم. در هر دو حالت باید فعل اصلی جمله را به صورت ساده بنویسیم؛ به عبارت دیگر فعل را به زمان اصلی خود برمی‌گردانیم.

Example I went to school yesterday.

I didn't go to school yesterday.

Did I go to school yesterday?

نکته: در جمله‌های سؤالی با کلمه‌های پرسشی (Wh Questions)

نیز همین قاعده صدق می‌کند؛ یعنی بعد از کلمه پرسشی ابتدا فعل کمکی did، سپس فاعل و در ادامه فعل اصلی را قرار می‌دهیم و مورد سؤال را حذف می‌کنیم. فعل جمله را هم به شکل اول (زمان حال ساده) برمی‌گردانیم.

Example He went to school yesterday.

When did he go to school?

Where did he go yesterday?

ضمایر فاعلی و مفعولی

ضمایر فاعلی ضمایی هستند که به جای اسم می‌نشینند و از تکرار آن جلوگیری می‌کنند. ضمایر مفعولی ضمایی هستند که به جای مفعول در جمله قرار می‌گیرند. در جمله‌های خبری ضمایر فاعلی همیشه در ابتدای جمله و قبل از فعل اصلی به کار می‌روند. ضمایر مفعولی نیز بعد از فعل آمده و جایگزین مفعول جمله می‌شوند.

ضمایر فاعلی

I	من	we	ما
you	تو	you	شما
he	او (مذکر)	they	ایشان
she	او (مؤنث)		
it	آن		

ضمایر مفعولی

me	به من، من را	it	به آن، آن را
you	به تو، تو را	us	به ما، ما را
him	به او، او را (مذکر)	you	به شما، شما را
her	به او، او را (مؤنث)	them	به آنها، آنها را

Example

- I saw Ali.

فاعل

I saw him.

- She didn't meet her friends.

مفعول

She didn't meet them.

Lesson 1

درس ۱

سخن مشاور

هر ساختمان بزرگ، زمانی فقط یک نقشه ساده بوده است.
مهم نیست که امروز در چه مرحله‌ای هستید.
مهم آینده شماست و چیزی که به آن خواهید رسید.

زمان آینده

اگر بخواهیم راجع به آینده صحبت کنیم، از زمان آینده استفاده می‌کنیم.

زمان آینده ساده

هر گاه بخواهیم بگوییم عملی در آینده انجام خواهد شد می‌توانیم
از زمان «آینده ساده» کمک بگیریم.

فاعل ساده + will + فاعل : ساختار زمان «آینده ساده»

مفرد	I	will	work.	من کار خواهم کرد.
	You	will	work.	تو کار خواهی کرد.
	He / She / It	will	work.	او کار خواهد کرد.
جمع	We	will	work.	ما کار خواهیم کرد.
	You	will	work.	شما کار خواهید کرد.
	They	will	work.	آنها کار خواهند کرد.

۱ فعل Will را می‌شود به شکل مخفف 'll نوشت.

e.g I will finish this work tomorrow.

این کار را فردا تمام خواهم کرد.

I'll finish this work tomorrow.

این کار را فردا تمام خواهم کرد.

۲ برای سوالی کردن زمان «آینده ساده» باید Will را ابتدای جمله بیاوریم. به عبارت ساده‌تر باید جای Will را با فاعل عوض کنیم.

فعل ساده + فاعل + Will: ساختار سوالی زمان «آینده ساده»

e.g She will buy that computer.

آیا او آن کامپیوتر را خواهد خرید.

Will she buy that computer?

آیا او آن کامپیوتر را خواهد خرید؟

۳ با اضافه کردن not به Will، زمان آینده ساده، منفی خواهد شد.

فعل ساده + will + not + فاعل: ساختار منفی زمان «آینده ساده»

e.g I will not finish this work today.

امروز این کار را تمام نخواهم کرد.

نکته: "won't" شکل مخفف "will not" است.

I won't finish this work today.

امروز این کار را تمام نخواهم کرد.

۴ قیده‌های زیر، زمان آینده را نشان می‌دهند.

1- next + (day, week, month, year, ...)

2- soon

3- tomorrow

کاربردهای زمان آینده ساده

خُب این شما و این هم موقعیتهایی که می‌توانید در آن از زمان «آینده ساده» استفاده کنید:

① وقتی که در همان لحظه صحبت کردن تصمیم به انجام کاری بگیریم:

e.g A: "Did you phone Jim?"

B: "Oh, no. I'll do it."



الف: به جیم تلفن کردی؟

ب: اوه نه، [همین الان] به اوزنگ می‌زنم.

② پیش‌بینی بر اساس نظر و عقیده شخصی را با زمان «آینده ساده» نشان می‌دهیم:

e.g I don't think it will snow tomorrow.

فکر نمی‌کنم فردا برف بیارد.

زمان آینده با ساختار be going to

یکی دیگر از ساختارهایی که با آن می‌توانیم راجع به آینده حرف بزنیم، ساختار be going to است.

am/ is/ are + going to + فعل ساده

مفرد	I	am	going to	work.	من قصد دارم کار کنم.
	You	are	going to	work.	تو قصد داری کار کنی.
	He/ She/It	is	going to	work.	او قصد دارد کار کند.
جمع	We	are	going to	work.	ما قصد داریم کار کنیم.
	You	are	going to	work.	شما قصد دارید کار کنید.
	They	are	going to	work.	آنها قصد دارند کار کنند.

نکات مهم

❶ برای سوالی کردن این ساختار کافی است که **am/is/are** را ابتدای جمله بیاوریم.

e.g He is going to study physics.

او قصد دارد فیزیک بخواند.

Is he going to study physics?

آیا او قصد دارد فیزیک بخواند؟

❷ برای منفی کردن این ساختار کافی است که از **not** بعد از **am/is/are** استفاده کنیم.

e.g He is not going to buy a new car.

او قصد ندارد يك ماشين نو بخرد.

کاربردهای ساختار be going to

① اگر برای انجام کاری از قبل تدارک دیده باشیم و برنامه‌ریزی کرده باشیم از ساختار be going to استفاده می‌کنیم.



e.g She is going to buy a new car.

او قصد دارد یک ماشین نو بخرد.

I'm going to study chemistry at university.

من قصد دارم در دانشگاه شیمی بخوانم.

② پیش‌بینی عملی در زمان آینده با استفاده از نشانه‌های آن در زمان حال:

e.g Look at the dark clouds. It's going to rain.

به ابرهای تیره نگاه کن. می‌خواهد باران بیارد.

This bag isn't very strong. It's going to break.

این کیسه چندان محکم نیست. پاره خواهد شد.

توی تست از کجا تشخیص بدیم از will استفاده کنیم یا
?be going to



برای گرفتن جوابتان مطلب بعدی را با دقت بخوانید.



📌 نکته: برای بیان عملی که قبلاً تصمیم به انجام آن گرفته‌ایم، ساختار be going to به کار می‌رود.

e.g I'm going out. I'm going to post these letters.

من دارم بیرون می‌روم. می‌خواهم این نامه‌ها را پست کنم.

اگر تصمیم‌گیری به صورت لحظه‌ای، آنی و بدون قصد قبلی باشد از

will استفاده می‌کنیم.

e.g I like this coat. I'll buy it.

از این کت خوشم آمده است. [همین الان] آن را می‌خرم.

نکته: البته در کتاب درسی جدید، کاربرد will برای زمان

آینده، کلی در نظر گرفته شده است و حتی برای بیان عملی که از قبل تصمیم به انجام آن گرفته‌ایم نیز می‌توان از will استفاده کرد.

e.g I'm going out. I will post these letters.

من دارم بیرون می‌روم. این نامه‌ها را پست خواهم کرد.

اسم

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن موجودات زنده (farmer, cat ...)

(my sister, ...)، اشیاء (book, car, ...) و ایده‌ها (hate, danger, ...)

به کار می‌رود.

انواع اسم

اسم عام (Common Noun):

به اسامی که عمومیت دارند و به گروهی از چیزهای مثل هم دلالت

دارند، اسامی عام گفته می‌شود.

book, door, taxi, eye, girl, woman, ...

اسم خاص (Proper Noun):

به اسامی که بر یک شخص، شیء یا مکان خاص دلالت کنند، اسامی

خاص گفته می‌شود.

Shakespeare, Rostam, Friday, March, Shiraz,

Eiffel Tower, ...

آقا اجازه! چرا این اسمها با حرف بزرگ شروع شده‌اند؟



جواب این سؤال ساده است! اسمی خاص همیشه با حروف بزرگ شروع می‌شوند.



قاعده‌های جمع بستن اسمی مفرد

① بیش‌تر اسمی مفرد با اضافه کردن "s" به آخرشان تبدیل به اسم جمع می‌شوند.

a boy / two boys

a girl / three girls

a pen / four pens

a door / five doors

② برای جمع بستن اسمی که به حروف (ch, sh, ss, x, z) ختم می‌شوند، "es" به انتهای آن‌ها اضافه می‌شود.

a brush / two brushes

a glass / three glasses

a church / five churches

a quiz / ten quizzes

③ اگر اسم مفرد به "o" ختم شود و قبل از آن حرف بی‌صدا باشد، در موقع جمع بستن "es" می‌گیرد.

a potato / two potatoes

④ اگر اسم مفرد به "y" ختم شود و قبل از آن حرف بی‌صدا باشد، در موقع جمع بستن "s" می‌گیرد.

a day / two days

📌 نکته: اگر حرف قبل از "y" بی‌صدا باشد، هنگام جمع بستن "y" به "ies" تبدیل می‌شود.

a baby / two babies

⑤ اسامی مفردی که به "f" یا "fe" ختم می‌شوند، در موقع جمع بستن f یا fe به "v" تبدیل شده و بعد از آن "es" را اضافه می‌کنیم.

a wife / two wives	a loaf / five loaves
a knife / three knives	a shelf / six shelves
a wolf / many wolves	a thief / seven thieves
a life / many lives	a half / two halves

⑥ برای جمع بستن بعضی از اسامی، قاعده خاصی وجود ندارد و باید آن‌ها را حفظ کنیم.

a child / two children	a man / three men
a woman / four women	a mouse / five mice
a tooth / thirty-two teeth	a foot / twelve feet
a person / many people	

اسامی غیر قابل شمارش چطوری جمع بسته می‌شن؟



اسامی غیر قابل شمارش همیشه به شکل مفرد هستند و جمع بسته نمی‌شوند.



some bread / a lot of information

همراهان اسم

① a / an :

اگر برای اولین بار بخواهیم از یک اسم عام نام ببریم، "a" یا "an" را قبل از آن اسم به کار می‌بریم.

یک پسر / a boy	یک ماشین / a car
یک نهنگ / a whale	یک سیب / an apple

نکته: اصولاً از "an" قبل از اسامی مفردی استفاده می‌شود که حرف اول آن‌ها صدادار (a,e,i,o,u) است، در صورتی که از "a" قبل از سایر اسامی عام مفرد استفاده می‌کنیم.

۲) the:

اگر بخواهیم شخصی یا چیزی را برای بار دوم نام ببریم یا از چیزی سخن بگوییم که برایمان آشناست قبل از آن اسم "the" به کار می‌بریم.

آن باغ / the garden

۳) صفت:

بعد از صفت می‌توانیم اسم به کار ببریم.

a beautiful girl

صفت اسم

bad boys

صفت اسم

۴) صفت‌های اشاره:

بعد از صفت‌های اشاره (those/these/that/this) اسم به کار می‌رود.

this book / این کتاب

that book / آن کتاب

these books / این کتاب‌ها

those books / آن کتاب‌ها

فرق that و this با these و those چیست؟



با دقت دو تا نکته بعدی را بخوان.



نکات مهم

۱) this و that صفت اشاره مفرد هستند، اما these و those صفت اشاره جمع هستند.

۲) this و these صفت اشاره نزدیک هستند، اما that و those صفت اشاره دور هستند.

۵) صفت‌های ملکی:

بعد از صفت‌های ملکی، اسم به کار می‌رود.

e.g my book, your car, her house, his sister

!!! ... فکر کن این صفت‌های ملکی رو قبلاً خونده باشیم، درسته؟
این رو که پارسال داشتیم.



بله. در درس سوم از کتاب زبان سال نهم با صفت‌های ملکی آشنا شدید:



my / your / his / her / its / our / their

Lesson 2

درس ۲

سخن مشاور



اگر می‌خواهید موفق باشید، اگر می‌خواهید زندگی کنید، این شور و اشتیاق است که شما را به سرمنزل مقصود می‌رساند. زندگی، ۱۰ درصد اتفاقاتی است که تجربه می‌کنید و ۹۰ درصد بقیه، پاسخ‌هایی هستند که شما به این اتفاقات می‌دهید. صفت اشتیاق قابل گفتن نیست، اما یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که شما باید در خودتان پرورش دهید.

صفت

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و اطلاعات بیشتری در مورد آن اسم به شما می‌دهد.

e.g She is a beautiful girl. او دختر زیبایی است.

در این مثال beautiful یک صفت است که اسم girl را توصیف می کند.

جایگاه صفت

صفت در دو جایگاه به کار می رود.

① قبل از اسم

اسم + صفت

e.g I have an expensive car.

من یک ماشین گران قیمت دارم.

اسم صفت

② بعد از افعال ربطی:

صفت + فعل ربطی

e.g They are hungry.

آن ها گرسنه هستند.

صفت فعل ربطی

It was getting dark.

هوا داشت تاریک می شد.

صفت فعل ربطی

She seems beautiful.

او زیبا به نظر می رسد.

صفت فعل ربطی

من فعل های ربطی رو نمی شناسم حالا چیکار کنم؟



این شما و این هم جدول افعال ربطی:



افعال ربطی

to be

بودن

feel

احساس کردن

taste

مزه دادن

smell

بو دادن

get / grow / become / turn

شدن

seem / sound / look / appear

به نظر رسیدن

مگه taste به معنای «چشیدن» نبود؟



آفرین با این سوال هایی که می پرسی. افعال ربطی در معانی گفته شده ربطی هستند و در سایر معانی دیگر جزء افعال ربطی نیستند.



پس taste به معنای «چشیدن»، فعل ربطی نیست؟



آفرین، دقیقاً! همه افعال جدول بالا دقیقاً تو همین معنی گفته شده ربطی هستن. اگه اونارو تو هر معنی دیگه ای استفاده کنیم، دیگه فعل ربطی نیستن.



ترتیب قرارگرفتن صفتها

صفتها انواع مختلفی دارند که هر کدام می توانند یکی از خصوصیات اسم را توصیف کنند. این صفتها در دسته های زیر، طبقه بندی می شوند:

① صفات کیفیت یا نظر و عقیده:

nice (خوب) / beautiful (زیبا) / interesting (جالب)

② صفات اندازه:

tall (بلند) / large (بزرگ) / big (بزرگ)

③ صفات سن و سال یا قدمت:

recent (جدید) / old (قدیمی) / new (جدید)

④ صفات شکل و عرض:


wide (پهن) / round (گرد)

⑤ صفات ملیت:

Italian (ایتالیایی) / Iranian (ایرانی) / French (فرانسوی)

⑥ صفات جنس:

cotton (نخی) / wooden (چوبی) / silver (نقره‌ای)


اگر بخواهیم چند تا از این صفت‌ها رو پشت سر هم بیاریم، باید از ترتیب خاصی پیروی کنیم؟ 


بله. باید از ترتیب زیر پیروی کنید. 

اسم / جنس / ملیت / رنگ / شکل / سن / اندازه / کیفیت

I have an old white cotton shirt.


اسم صفت جنس صفت رنگ صفت سن


استاد، من اول هر کدوم از این صفت‌ها رو سر هم کردم و به رمز «کاس شرمجا» رسیدم. دیگه همین کلمه رو حفظ می‌کنم. 

درود بر شما. 

صفت‌های تفضیلی

صفت‌های تفضیلی، صفت‌هایی هستند که برای مقایسه بین دو اسم به کار می‌روند. این صفت‌ها بر برتری شخصی یا چیزی از شخص یا چیز دیگری دلالت دارند.

مثلاً ما توی فارسی می‌گیم که من از علی باهوش‌تر هستم، کلمهٔ باهوش‌تر می‌شه صفت تفضیلی؟ 

دقیقاً. صفت تفضیلی در فارسی با اضافه کردن «تر» به انتهای صفت ساخته می‌شود و در زبان انگلیسی با استفاده از فرمول‌های زیر ساخته می‌شود. 

er + [صفت تفضیلی = **er** + صفت تک‌بخشی]

صفت‌های تک‌بخشی یا تک‌سیلابی با اضافه کردن "er" به آن‌ها به صفت تفضیلی تبدیل می‌شوند.

e.g Russia is bigger than China.

روسیه از چین بزرگ‌تر است.

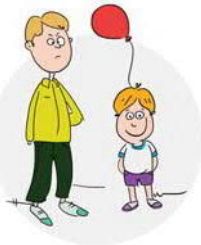
Ali is taller than Ahmad.

علی از احمد بلندقدتر است.



نکات مهم

① صفت‌های دوبخشی که به "y" ختم می‌شوند، شکل تفضیلی شان همانند صفت‌های تک‌بخشی با "er" و "than" ساخته می‌شود.



e.g I'm happier than my brother.
من از برادرم خوشحال‌تر هستم.

[صفت تفضیلی = (صفت دوبخشی) + more] + than

e.g Paris is more beautiful than London.

پاریس از لندن زیباتر است.



Their apartment is more expensive than our apartment.
آپارتمان آن‌ها از آپارتمان ما گران‌تر است.

۲ وقتی می‌خواهیم شکل تفضیلی صفات را بسازیم، در مورد املائی کلمات چند قاعده خاص نیز وجود دارد:

① صفتهایی که به "e" ختم می‌شوند، در موقع ساختن شکل تفضیلی فقط "r" می‌گیرند.

nice / nicer

safer / safer

۲ صفتهایی که به "y" ختم می‌شوند، وقتی "er" می‌گیرند، "y" تبدیل به "i" می‌شود.

happy / happier


easy / easier

② صفت‌هایی که به حرف بی صدا ختم می‌شوند و قبل از آن حرف بی صدایک حرف صدادار آمده باشد، وقتی که "er" می‌گیرند، حرف بی صدا تکرار می‌شود.
big / bigger hot / hotter

صفت‌های عالی

صفت‌های عالی، صفت‌هایی هستند که برای مقایسهٔ بیش‌تر از دو اسم به کار برده می‌شوند و به برتری شخصی یا چیزی از اشخاص و اشیای دیگر دلالت دارند.

مثلاً من که باهوش‌ترین دانش‌آموز توی کلاس‌مون هستم، می‌شه صفت عالی؟ 

استاد: اوهوم، صفت‌های عالی در فارسی با اضافه کردن «ترین» به آخر صفت‌ها ساخته می‌شوند. 

صفت عالی = **est** + صفت‌های تک‌بخشی + **the**

برای ساختن شکل عالی یک صفت تک‌بخشی به انتهای آن "est" اضافه می‌کنیم و قبل از آن "the" به کار می‌بریم.

e.g This is the shortest day of the year.

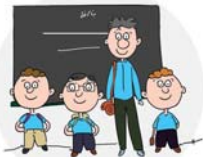
این کوتاه‌ترین روز سال است.

Mount Everest is the highest mountain in the world.

کوه اورست بلندترین کوه در جهان است.

He is the tallest boy in the class.

او بلندترین پسر در کلاس است.



① صفت‌های دوبرخشی که به "y" ختم می‌شوند، شکل تفضیلی‌شان همانند صفت‌های تک‌برخشی با "est" ساخته می‌شود.

e.g It was the happiest day of their lives.

آن (روز) شادترین روز زندگی آن‌ها بود.

صفت عالی = صفت‌های دوبرخشی یا بیش‌تر + the most

e.g The last question is the most difficult one.

آخرین سوال، مشکل‌ترین سوال است.

This book is the most interesting book in my library.
این کتاب، جالب‌ترین کتاب در کتاب‌خانه من است.

That car is the most

expensive car in our city.

آن ماشین، گران‌ترین ماشین
در شهر ما است.



آیا توی تست‌ها نشونه‌هایی وجود داره که ما بتونیم بفهمیم باید از صفت عالی استفاده کنیم؟



اگر در تست‌ها نشانه‌های زیر بود، به احتمال زیاد باید از صفت عالی استفاده کنید. (از همه) / of all / (از) / of / (در، داخل) / in



② وقتی که می‌خواهیم شکل عالی صفات را بسازیم، در مورد املائی کلمات چند قاعده خاص نیز وجود دارد:

① صفت‌هایی که به "e" ختم می‌شوند، در موقع ساختن شکل عالی فقط "st" می‌گیرند.

nice / nicest

safe / safest

② صفت‌هایی که به "y" ختم می‌شوند، وقتی "est" می‌گیرند، "y" تبدیل به "i" می‌شود.

happy / happiest

easy / easiest

③ صفت‌هایی که به حرف بی‌صدا ختم می‌شوند و قبل از آن حرف بی‌صدا، حرف صدادار آمده باشد، حرف بی‌صدا تکرار می‌شود.

big / biggest

hot / hottest

من می‌تونم یه سوال بپرسم؟



شما دو تا سوال بپرسید، اول هم سوال دومتون رو بپرسید.



باشه سوال دوم: صفت تفضیلی good می‌شه gooder؟
سوال اول: صفت عالی good می‌شه goodest؟



سوالات بسیار خوبی بودند. شکل عالی و تفضیلی بعضی از صفت‌ها بی‌قاعده است و باید آن‌ها را حفظ کرد:



صفت ساده	صفت تفضیلی	صفت عالی
good	better	the best
bad	worse	the worst
far	farther	the farthest
many	more	the most
little	less	the least

e.g My new car is better than my old one.

ماشین جدیدم بهتر از ماشین قدیمی‌ام است.

او بدترین بازیکن تیم است. He is the worst player in the team.

صفت برابری

هرگاه دو شخص یا دو چیز در داشتن یک صفت با هم یکسان باشند، از ساختار صفت برابری استفاده می‌کنیم. برای این کار آن صفت را بین دو کلمه "as ... as" قرار می‌دهیم.

e.g Maryam is as tall as Mahshid

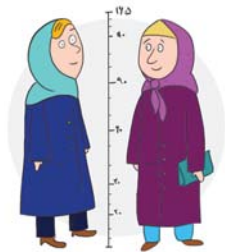
مریم هم‌قد مهشید است.

This car is as expensive as that car.

این اتومبیل به گرانی آن اتومبیل است.

This picture isn't as beautiful as that one.

این تصویر به اندازه آن یکی زیبا نیست.



Lesson 3

درس ۳

سخن مشاور 

آگاهانه، گذشته را رها کرده و نگذارید خاطرات به گذشته استمراری تبدیل شوند. نحوه تفکران را تغییر دهید و دوباره دست به قلم شوید و نویسندۀ داستان آینده زندگیتان شوید.

زمان گذشته استمراری

ساختار زمان گذشته استمراری به شکل زیر است:

فاعل + **was / were** + فعل + **ing**

گذشته استمراری (جمله خبری)

فاعل یا ضمیرهای فاعلی	to be	فعل ing دار	ترجمه
مفرد	I	was working.	من داشتم کار می کردم.
	You	were working.	تو داشتی کار می کردی.
	He / She / It	was working.	او داشت کار می کرد.
جمع	We	were working.	ما داشتیم کار می کردیم.
	You	were working.	شما داشتید کار می کردید.
	They	were working.	آنها داشتند کار می کردند.

گذشته استمراری (جمله منفی)

فاعل یا ضمیر فاعلی	to be	فعل ing دار
مفرد	I	was not working.
	You	were not working.
	He / She / It	was not working.

جمع	We	were not	working.
	You	were not	working.
	They	were not	working.

آیا ساختار منفی گذشته استمراری، مخفف هم داره؟



البته که شکل مخفف دارن. کافیه به ترتیب از wasn't و weren't به جای was not و were not استفاده کنید.



گذشته استمراری (جمله سؤالی)

to be	فاعل یا ضمیر فاعلی	فعل ing دار
Was	I	working?
	he / she / it	working?
Were	we	working?
	you	working?
	they	working?

کاربردهای زمان گذشته استمراری

① برای بیان کارهایی که در زمان گذشته در زمان خاصی در حال انجام شدن بوده است، ولی زمان دقیق آغاز و پایان عمل مشخص نشده است، از زمان گذشته استمراری استفاده می کنیم.

e.g I was cooking a cake at 8 o'clock.

ساعت ۸ داشتم کیک درست می‌کردم.

Yesterday at 5 p.m. he was eating lunch.

او دیروز ساعت ۵ بعد از ظهر داشت نهار می‌خورد.



۲ در صورتی که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین عمل کوتاه‌تری اتفاق بیفتد، برای عمل طولانی‌تر از زمان گذشته استمراری و برای بیان عمل کوتاه‌تر از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

e.g I left home when it was snowing.

وقتی که داشت برف می‌آمد خانه را ترک کردم.

When we were having dinner he arrived.

وقتی داشتیم شام می‌خوردیم، او رسید.

در این کاربرد به جای when می‌شه از کلمات دیگه‌ای هم استفاده کرد؟

آفرین به دقت شما. در این کاربرد می‌توان دو جمله را با استفاده از کلمات as, when, و while به هم ربط داد.



۳ هر گاه دو عمل هم‌زمان با هم در زمان گذشته رخ داده باشند، از گذشته استمراری استفاده می‌کنیم:

e.g While Mina was washing up, her husband was reading to the children.

وقتی مینا داشت [ظرف‌ها را] می‌شست، همسرش داشت برای بچه‌ها [کتاب] می‌خواند.

My brother was studying while my mother was making dinner.

وقتی مادرم داشت شام درست می کرد، برادرم داشت درس می خواند.

زمان گذشته استمراری نشونه خاصی داره؟



کلمات زیر می توانند نشانه های زمان گذشته استمراری باشند:



when / as / while

last + ...

... + ... + ago

yesterday

نشانه های زمان گذشته
استمراری

ضمایر انعکاسی و تأکیدی

ضمایر انعکاسی و تأکیدی عبارتند از:

مفرد	ترجمه	جمع	ترجمه
myself	خودم	ourselves	خودمان
yourself	خودت	yourselves	خودتان
himself	خودش (مذکر)	themselves	خودشان
herself	خودش (مؤنث)		
itself	خودش (غیر انسان)		

ضمایر انعکاسی

هر گاه فاعل و مفعول جمله هر دو یک شخص یا یک شیء باشند، از ضمایر انعکاسی استفاده می کنیم:

e.g He killed himself.

او خودش را کشت.

He bought himself a shirt.

او برای خودش یک پیراهن خرید.



ضمایر تأکیدی

هر گاه بخواهیم بر فاعل جمله تأکید کنیم، از ضمایر تأکیدی استفاده می کنیم. به عبارتی اگر بخواهیم بگوییم که فاعل کاری را خودش و نه کس دیگری انجام داده، از ضمایر تأکیدی استفاده می کنیم. این ضمایر در دو جایگاه ظاهر می شوند:

① ضمایر تأکیدی بعد از فاعل:

e.g I myself saw the accident yesterday.

من خودم تصادف را دیروز دیدم.

② ضمایر تأکیدی بعد از مفعول:

e.g I like Mahnaz Afshar myself but my wife doesn't like her.

من خودم مهناز افشار را دوست دارم، اما همسرم او را دوست ندارد.

افعال کنشی و افعال حالت

افعال کنشی افعالی هستند که انجام یک عمل و کار را بیان می کنند و افعال حالت، افعالی هستند که یک حالت را نشان می دهند.

مثلاً فعل write به فعل کنشیه چون عمل نوشتن رو بیان می‌کنه ولی فعل love به فعل حالت هس چون داره به حالتی رو نشون می‌ده.



کاملاً درسته. مرسی که کمک دادین.



در جدول زیر مهم‌ترین افعال حالت آمده است.

agree	موافق بودن	be	بودن
believe	اعتقاد داشتن	disagree	مخالف بودن
dislike	دوست نداشتن	feel	احساس کردن
hate	متنفر بودن	have	داشتن
hear	شنیدن	know	دانستن
look	به نظر رسیدن	like	دوست داشتن
love	عاشق بودن	need	نیاز داشتن
remember	به یاد آوردن	seem	به نظر رسیدن
want	خواستن	wish	آرزو کردن

تفاوت افعال کنشی و افعال حالت در چیه؟



افعال حالت را نمی‌توان به شکل استمراری استفاده کرد.
به این دو مثال دقت کنید و بگویید کدام غلط است؟



I'm disliking ice cream.

I dislike ice cream.

با توجه به صحبتاتون dislike یک فعل حالتیه، پس نمی‌شه استمراری بشه و به همین دلیل جمله I'm disliking ice cream غلطه.



درس ۴

سخن مشاور 

اگه رویایی داری باید از اون در برابر جملاتی مثل «ممکنه نتونی، شاید نشه، تو توانایی انجام اون رو نداری و ...» محافظت کنی. یادت باشه که خیلیا نمی‌تونن خیلی از کارها رو انجام بدن و دوست ندارن که تو هم بتونی. توی ذهنت حک کن که اگه یه چیزی رو می‌خوای باید به دستش بیاری. بزرگ‌ترین لذت در انجام کارهایی است که دیگران می‌گن تو نمی‌تونی انجامش بدی، پس صبح‌ها که از خواب بیدار می‌شی به این فکر کن که تو می‌تونی از پشش بریایی. حواست به افعال وجهی زندگیت باشه.

افعال وجهی

افعال وجهی به افعالی گفته می‌شود که به تنهایی معنای کاملی ندارند و با یک فعل اصلی استفاده می‌شوند. این افعال مفاهیمی همچون اجبار، احتمال، درخواست، استنباط و ... را به فعل اصلی جمله اضافه می‌کنند.

e.g I must see him right now.

همین الان باید او را ببینم.

ویژگی‌های افعال وجهی

① بعد از این افعال، فعل به صورت مصدر بدون to به کار می‌رود.

مصدر بدون can / must / may / might / should + to

e.g we should wait for Hamid ما باید منتظر حمید بمانیم
فعل ساده

این افعال به همراه مصدر بدون to به زمان حال یا آینده اشاره می کنند.

e.g I can play the piano.

من می توانم پیانو بنوازم.

این افعال شکل ثابتی دارند، "s" یا "ing" یا "ed" نمی گیرند.

~~musts / musted / musting~~

برای منفی کردن این افعال بعد از آنها از not استفاده می کنیم.

can not / should not / may not / must not

برای مخفف شکل منفی این افعال از n't استفاده می کنیم.
درسته؟



به جز may، سایر این افعال را می توان به شکل مختلف n't منفی کرد. در واقع mayn't نداریم. البته can هم چون خودش آخرش n داره، به شکل can't منفی می شه.



برای سؤالی کردن جملاتی که در آنها افعال وجهی به کار رفته did/does/do به کار نمی بریم، بلکه از خود این افعال استفاده می کنیم:

e.g Can you play the piano?

آیا می توانی پیانو بنوازی؟

can

این فعل برای بیان توانایی، اجازه، امکان به کار می رود.

① توانایی:



e.g She can speak French.
او می‌تواند فرانسوی صحبت کند.

I can swim.

من می‌توانم شنا کنم.

② اجازه:

e.g Can I borrow your car?
می‌توانم ماشین شما را قرض بگیرم؟

You can leave your bag here.

می‌توانید کیفتان را این جا بگذارید.

③ امکان (ممکن بودن):

e.g You can ski on the hill.

می‌توانید روی تپه اسکی کنید. (امکان اسکی روی تپه وجود دارد).

may

این فعل برای بیان احتمال انجام کاری و اجازه به کار می‌رود.

① بیان احتمال انجام کاری:

e.g They may come by the car.

ممکن است آن‌ها با ماشین بیایند.

might چیه؟



might معادل may است و می‌توانیم از آن به جای may برای بیان احتمال انجام کاری استفاده کنیم.



e.g They might come by the car.

ممکن است آن‌ها با ماشین بیایند.

۲ اجازه:



e.g May I use your phone?

ممکن است از تلفن شما
استفاده کنم؟

should

این فعل برای بیان توصیه یا پند و اندرز و همین طور اجبار ضعیف
به کار می‌رود.

۱ توصیه:

e.g You should look for a better job.

تو باید به دنبال کار بهتری بگردی.

۲ اجبار ضعیف:



e.g You should switch off the
light before you leave the room.

قبل از ترک اتاق باید چراغ را خاموش کنی.

must

این فعل برای بیان اجبار قوی و نتیجه‌گیری منطقی استفاده
می‌شود.

۱ اجبار قوی:

e.g Children must do their homework.

بچه‌ها باید تکالیفشان را انجام دهند.

۲ نتیجه گیری منطقی:

e.g She must be very clever.

باید خیلی باهوش باشد.

حروف اضافه زمان

In

کاربردهای حرف اضافه in به معنای در:

۱ قبل از قرن‌ها:

in the 18 century / ۱۸ قرن

۲ قبل از سال‌ها:

in 1865 / ۱۸۶۵ سال

in 1999 / ۱۹۹۹ سال

in 2018 / ۲۰۱۸ سال

۳ قبل از فصل‌ها:

in spring / در بهار

in summer / در تابستان

in fall or autumn / در پاییز

in winter / در زمستان

۴ قبل از ماه‌ها:

in Farvardin / در فروردین ماه

in July / در ماه ژوئیه

۵ قبل از بخشی از شبانه روز به جز midday / midnight:

in the morning / در صبح

in the evening / در غروب

in the afternoon / در عصر

on

کاربردهای حرف اضافهٔ on به معنای در:

① قبل از روزهای هفته:

on Friday / در روز جمعه

on Saturday / در روز شنبه

② قبل از holiday و vacation:

on vacation / در تعطیلات

on holiday / در تعطیلات

③ قبل از تاریخ کامل:

on January 15, 2017 /

در [تاریخ] ۱۵ ماه ژانویه سال ۲۰۱۷

at

کاربردهای حرف اضافهٔ at به معنای در، هنگام:

① قبل از ظهر و شب:

at noon / ظهر

at night / شب

② قبل از نیمه‌ظهر و نیمه‌شب:

at midday / نیمه‌ظهر

at midnight / نیمه‌شب

③ قبل از نام وعده‌های غذایی:

at lunch / هنگام نهار

at breakfast / هنگام صبحانه

④ قبل از طلوع آفتاب و غروب خورشید:

at sunrise / هنگام طلوع آفتاب

at sunset / هنگام غروب خورشید

⑤ قبل از ساعت‌ها:

at 8 o'clock / ساعت ۸

at 12 / ساعت ۱۲

حروف اضافه مکان

in

کاربردهای حرف اضافه in به معنای در:

① قبل از نام قاره‌ها:

in Africa در آفریقا

in Asia در آسیا

in Europe در اروپا

② قبل از نام کشورها:

in Iran در ایران

in China در چین

in Italy در ایتالیا

③ قبل از نام شهرها:

in Shiraz در شیراز

in Tehran در تهران

in London در لندن

کاربردهای حرف اضافهٔ on به معنای روی (وقتی بین دو چیز تماس وجود داشته باشد):



① روی چیزی:

on the chair / روی صندلی

on the table / روی میز

② روی دیوار:

on the wall / روی دیوار

③ صفحه‌ای از کتاب:

on page 85 / در صفحهٔ ۸۵

کاربردهای حرف اضافهٔ at به معنای در:

① قبل از سینما / دانشگاه / سرکار / مدرسه ...

at movie theater / در سینما

at university / در دانشگاه

at work / در سرکار

at school / در مدرسه

② قبل از ایستگاه اتوبوس:

at bus station / در ایستگاه اتوبوس

③ قبل از پنجره:

at the window / دم پنجره

④ قبل از در:

at the door / دم در

next to

کاربردهای حرف اضافه next to به معنای در مجاورت، کنار، پهلو:

① قبل از مکان:

کنار مغازه / next to the store

② قبل از انسان:

کنار من / next to me

in front of

کاربرد حرف اضافه in front of به معنای مقابل، جلوی:

① قبل از مکان:

in front of his house.

جلوی خانه اش

in front of the door

جلوی در

بعد از in front of می‌شه انسان هم به کار ببریم:



بله در این حالت in front of به معنای «در حضور» است.



in front of the students

در حضور دانش‌آموزان

قید حالت

این قیده‌ها، حالت و چگونگی فعل را بیان می‌کنند.

e.g You can learn this language easily.

شما می‌توانید این زبان را به آسانی یاد بگیرید.

اکثر قیده‌های حالت به شکل زیر ساخته می‌شوند:

قید حالت = **ly** + صفت

e.g We do our homework carefully.

ما تکالیفمان را با دقت انجام می‌دهیم.

نکات مهم

❶ اگر صفتی به "y" ختم شده باشد و قبل از "y" یک حرف بی‌صدا باشد، هنگام اضافه کردن "ly" به آن، "y" به "i" تبدیل می‌شود.

angry → angrily

happy → happily

easy → easily

❷ اگر صفتی به able، ible و ple ختم شود، "e" را از آخر صفت حذف می‌کنیم و به جای آن به آخرش "y" اضافه می‌کنیم.

probable → probably

terrible → terribly

simple → simply

شما گفتین که اکثر قیده‌های حالت با اضافه کردن ly به آخر صفت ساخته می‌شن، پس بقیه‌شون چی؟



یک تعدادی صفت داریم که قیده‌های حالت آن‌ها بی‌قاعده هستند و باید آن‌ها را حفظ کنید. این‌ها مهم‌ترین قیده‌های بی‌قاعده هستن:



fast (سریع) → fast (به سرعت)

good (خوب) → well (به خوبی)

hard (سخت) → hard (به سختی)

late (دیر) → late (با تأخیر)


soon (زود) → soon (به زودی)

درس ۱

اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسامی قابل شمارش

اگر بتوانیم اسمی را بشماریم، به آن اسم، قابل شمارش می‌گوییم. مثلاً ما می‌توانیم بگوییم *two cars*, *one car* و ... بنابراین *car* یک اسم قابل شمارش است.

سلام استاد ... من یادم میاد توی سال دهم اسم‌های قابل شمارش به دو دسته مفرد و جمع تقسیم می‌شدند، درسته؟ 

سلام. کاملاً درسته. برای یادآوری، مطالب زیر رو بخونید:



نکات مهم

- اسامی مفرد می‌توانند *a* یا *an* یا *the* بگیرند.
- اسامی مفرد را می‌توانیم با اضافه کردن *s* یا *es* به انتهای آن‌ها جمع ببندیم.

a book → *two books*

a potato → *three potatoes*

- شکل جمع بعضی از اسامی مفرد بی‌قاعده هستند و باید آن‌ها را حفظ کنیم.

a wolf → *two wolves*

one mouse → *five mice*

one fish → *three fish*

ویژگی اسامی قابل شمارش

① می‌توانند بعد از a، an یا one بیایند.

a book

an apple

one car

② قبل از آن‌ها می‌توانیم از few (کمی)، a few (چند تا)، many

(خیلی)، a lot of (تعداد زیادی)، lots of (تعداد زیادی) و some (تعدادی) استفاده کنیم.

few friends

a few flowers

many pens

a lot of birds

lots of cats

some books

③ قبل از آن‌ها می‌توانیم از عدد (two و three و ...) استفاده کنیم.

three tigers

five pencils


④ برای سؤالی کردن اسامی قابل شمارش از how many (چند تا) استفاده می‌کنیم.


e.g How many cars do you have?

شما چند تا ماشین دارید؟

اسامی غیر قابل شمارش

اگر نتوانیم اسمی را بشماریم، به آن اسم، غیر قابل شمارش می‌گوییم. مثلاً water یک اسم غیر قابل شمارش است. چون نمی‌توانیم بگوییم one water یا two waters یا

استاد می‌شه لطفاً به ما یاد بدین چه اسم‌هایی در دسته اسامی غیر قابل شمارش قرار می‌گیرن؟ 

یه کم صبر می‌کردی خودم می‌گفتم. جدولی که در ادامه اومده، دسته‌بندی کلی اسم‌های غیر قابل شمارش رو نشون می‌ده. 

wood - plastic - silk	بسیاری از موارد مصالح
gold - silver - steel	فلزات
fruit - cheese - bread	مواد غذایی
water - oil - air	مایعات و گازها
honesty - patience - knowledge	افکار و احساسات
mathematics - chemistry - biology	موضوعات درسی
music - information - grammar	اسم‌های انتزاعی

ویژگی‌های اسامی غیر قابل شمارش

① نمی‌توانند با حروف تعریف a / an به کار روند. اما می‌توانند the بگیرند.

the information

۲ قبل از آن‌ها می‌توانیم از little (کم) و a little (کمی) و much (زیاد) و some (مقداری) و a lot of (مقدار زیادی) و lots of (مقدار زیادی) استفاده کنیم.

little time

a little sugar

much food

some coffee

a lot of money

lots of milk

۳ برای سؤالی کردن اسامی غیرقابل شمارش از how much (چه مقدار، چقدر) استفاده می‌کنیم.

e.g How much time do we have?

چقدر وقت داریم؟

چطوری می‌شه اسم‌های غیرقابل شمارش را بشماریم؟



سؤال بسیار به جایی بود.



برای شمردن اسامی غیرقابل شمارش، قبل از آن‌ها از واحدهای قابل شمارش مانند (a bottle of، a cup of ، a glass of) استفاده می‌کنیم. لیست کامل این واحدهای قابل شمارش در جدول صفحه بعد آمده است.

a bottle of



Two, three,
... bottles of

water

a cup of



two, three,
... cups of

tea, coffee

a glass of



two, three,
... glasses of

water,
juice

a bag of



two, three,
... bags of

rice, sugar

a piece of



two, three,
... pieces of

cake, fruit

a slice of



two, three,
... slices of

pizza,
banana

a kilo of



two, three,
... kilos of

cheese,
rice

قبل از اسم‌های قابل شمارش، می‌توانیم از اعداد استفاده کنیم.

عدد	اسم
a	one car
an	one apple
two, three, four	tables
eleven, twelve, thirteen	chairs
twenty, twenty-one	students
thirty, thirty-one	trees
ninety, ninety-one, ninety nine	men
one hundred, two hundred	languages
one thousand, two thousand	birds
one million, two million	cells
one billion, two billion	dollars

چرا بین بعضی از اعداد خط تیره اومده؟



بین اعداد ۲۱ تا ۹۹ باید از خط تیره استفاده کنیم.



مثلاً:

twenty-one, forty-five, ninety-nine

اعداد را می‌توانیم هم‌چنین قبل از صفت‌هایی که همراه با اسم می‌آیند به کار ببریم.

اعداد	صفت	اسم
a / one	small	car
an / one	interesting	movie
two, ..., ninety-nine	beautiful	trees
two hundred, ... , ten billion	Canadian	dollars

نگارش

ترتیب قرار گرفتن کلمات در جمله به شکل زیر است:

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

e.g I cooked the cake carefully in the kitchen last night.

قید زمان قید مکان قید حالت مفعول فعل فاعل

دیشب من کیک را با دقت در آشپزخانه پختم.

فاعل: کننده کار را فاعل می‌گویند. فاعل می‌تواند به صورت اسم با ضمیر به کار رود.

آقا اجازه! ما ضمائر فاعلی یادمون رفته، حالا چیکار کنیم؟



ایرادی نداره. این شما و این هم ضمائر فاعلی.



ضمير	ترجمه	ضمير	ترجمه
I	من	We	ما
You	تو	You	شما
He She It	او (مذکر) او (مؤنث) آن (غیرانسان)	They	آن‌ها

فعل: کاری را که فاعل انجام می‌دهد.

see (دیدن)، walk (قدم زدن)، read (خواندن)

قید حالت: حالت فعل را نشان می‌دهد.

happily (با خوشحالی)، quickly (به سرعت)، slowly (به آرامی)

قید مکان: محل انجام گرفتن فعل را، قید مکان گویند.

here: این‌جا

at home: در خانه

in the class: در کلاس

قید زمان: زمان انجام گرفتن فعل را، قید زمان گویند.

today: امروز

everyday: هرروز

yesterday: دیروز

Lesson 2

درس ۲

زمان حال کامل

ساختار خبری

ساختار خبری این زمان به شکل زیر است:

فاعل + have / has + p.p.

e.g I have watched that movie.

من آن فیلم را دیده‌ام.

فاعل	have / has	p.p.	معنی
I	have	worked	من کار کرده‌ام.
You	have	worked	تو کار کرده‌ای.
He / She	has	worked	او کار کرده است.
It	has	worked	آن کار کرده است.
We	have	worked	ما کار کرده‌ایم.
They	have	worked	آن‌ها کار کرده‌اند.

نکات مهم

① برای فاعل سوم شخص (he, she, it) از has استفاده می‌کنیم و برای سایر فاعل‌ها have به کار می‌بریم.

۲ شکل مخفف آنها در ادامه آمده است:

I have = I've

You have = You've

He / She / It = He's / She's / It's

We have = We've

They have = They've

ساختار منفی

برای منفی کردن این زمان not را بعد از have/has به کار می‌بریم.

فاعل + have/has + not + p.p.

e.g The students have not finished their homework.

دانش‌آموزان تکالیفشان را تمام نکرده‌اند.

فاعل	have/has	not	p.p.	معنی
I	have	not	worked	من کار نکرده‌ام.
You	have	not	worked	تو کار نکرده‌ای.
He/she	has	not	worked	او کار نکرده است.
It	has	not	worked	آن کار نکرده است.
We	have	not	worked	ما کار نکرده‌ایم.
You	have	not	worked	شما کار نکرده‌اید.
They	have	not	worked	آنها کار نکرده‌اند.

«has not و have not» را می‌شود به شکل مخفف «hasn't, haven't» نوشت.

ساختار سؤالی

برای سؤالی کردن زمان حال کامل کافیسست که have و has را در ابتدای جمله بیاوریم و بعد از آن فاعل را قرار بدهیم.

have/has + فاعل + p.p + ...?

e.g Have you been in Paris?

آیا در پاریس بوده‌ای؟

Have/Has	فاعل	p.p?	معنی
Have	I	worked?	آیا من کار کرده‌ام؟
Have	you	worked?	آیا تو کار کرده‌ای؟
Has	he/she	worked?	آیا او کار کرده است؟
Has	it	worked?	آیا آن کار کرده است؟
Have	we	worked?	آیا ما کار کرده‌ایم؟
Have	you	worked?	آیا شما کار کرده‌اید؟
Have	they	worked?	آیا آن‌ها کار کرده‌اند؟

کاربردهای زمان حال کامل

① برای بیان عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است.

e.g I have not seen her since I left university.

از زمانی که دانشگاه را ترک کردم او را ندیده‌ام.

۲) برای بیان عملی که در گذشته نزدیک اتفاق افتاده ولی اثر آن در زمان حال مشاهده می‌شود.

e.g I can't get in the house. I've lost my keys.

من نمی‌توانم وارد خانه بشوم. کلیدهایم را گم کرده‌ام.



قیدهای زمان حال کامل

قیدهای زیر نشانهٔ زمان حال کامل هستند.

since/for/yet/ever

استاد همیشه لطفاً به کم بیشتر این قیدها رو توضیح بدین؟



حتماً. پس شیطنت نکنید و حواستون به نکته‌های زیر باشه.



نکات مهم

۱) «since» به معنای «از، از زمانی که» به مبدأ زمان اشاره می‌کند.

e.g I have studied chemistry since 1394.

از سال ۱۳۹۴ به مطالعهٔ شیمی پرداخته‌ام.

۲) «for» به معنای «برای، به مدت»، طول زمان را نشان می‌دهد.

e.g I've lived in Shiraz for 15 years.

من به مدت ۱۵ سال در شیراز زندگی کرده‌ام.

۳ «yet» به معنای «هنوز» معمولاً در جملات منفی و یا سؤالی می‌آید.

e.g The bus hasn't arrived yet.

اتوبوس هنوز نرسیده است.

۴ «ever» به معنای «تا به حال» است.

e.g Have they ever traveled to Paris?

آیا آن‌ها تا به حال به پاریس سفر کرده‌اند؟

نگارش

اسم مصدر

اگر «ing» را به فعل اضافه کنیم، اسم مصدر «gerund» ساخته می‌شود.

مثلاً: playing، walking، swimming و ...

کاربردهای اسم مصدر

① اسم مصدر می‌تواند در ابتدای جمله به عنوان فاعل به کار رود:

e.g Learning English is easy.

یادگیری انگلیسی آسان است.

نکات مهم

① اگر اسم مصدر در ابتدای جمله به عنوان فاعل به کار رود، فعل بعد از آن باید به شکل مفرد باشد. یکبار دیگر مثال بالا را بخوانید. همان‌طور که می‌بینید در این مثال بعد از اسم مصدر، فعل مفرد «is» به کار رفته است.

② اگر فاعل جمله، ۲ اسم مصدر باشد، باید از فعل جمع استفاده کنیم.

e.g Cycling and jogging are my favorite sports.

دوچرخه‌سواری و آهسته دویدن ورزش‌های مورد علاقه من هستند.
② اسم مصدر به عنوان مفعول جمله می‌تواند بعد از افعال زیر بیاید:

معنی	فعل	معنی	فعل
تمام کردن	finish	لذت بردن	enjoy
تصور کردن	imagine	ترک کردن، رها کردن	give up
تمرین کردن	practice	ادامه دادن	keep (on)
دوست داشتن	love	ترک کردن، رها کردن	quit

e.g I love swimming.



من شنا کردن را دوست دارم.

③ ساختار:

فعل go + ing

برای نشان دادن فعالیت‌های تفریحی، سرگرمی و... استفاده می‌شود.

Go fishing → ماهیگیری کردن

Go sailing → قایقرانی کردن

Go skiing → به اسکی رفتن

Go swimming → به شنا رفتن

④ بعد از حروف اضافه، (اسم مصدر) به کار می‌رود.

e.g I'm interesting in playing football.



من به فوتبال بازی کردن علاقه مند هستم.

یه چیزی می گم ولی لطفاً دعوا نکنید! من حروف اضافه رو یادم
رفته!!!



آخه چرا باید دعوا کنم؟! تا زمانی که من هستم جای نگرانی
نیست.



حروف اضافه مهم عبارتند از:

at, by, for, against, after, about, for, on, in, with,
without, ...

⑤ از ساختار فعل No + ing برای قدغن کردن و یا منع کردن
عملی استفاده می کنیم.

مثلاً وقتی می گوییم «No parking» منظورمان این است که پارک
کردن ممنوع است.



درس ۳

جملات شرطی نوع اول

جملات شرطی شامل دو قسمت می‌باشند:

① عبارت شرطی

② عبارت اصلی

به عبارتی که در آن **if** آمده است، عبارت شرطی و عبارت دیگر را عبارت اصلی می‌نامند.
به این مثال دقت کنید:

e.g If it rains, I won't go out.

عبارت اصلی عبارت شرطی

اگر باران ببارد، من بیرون نمی‌روم.

این‌که اول جمله عبارت شرط بیاید یا عبارت اصلی، چه فرقی می‌کند؟



هیچ فرقی نداره، اما یادتون باشه اگه عبارت شرطی رو اول جمله بیاریم باید قبل از عبارت اصلی کما بذاریم. دو تا مثال زیر رو بخونید تا بهتر متوجه بشید.



e.g If it rains, I won't go out.

در این مثال، عبارت شرطی اول جمله آمده است بنابراین قبل از عبارت اصلی کما می‌آید.

e.g I won't go out if it rains.

در این مثال، عبارت اصلی اول جمله آمده است، بنابراین احتیاجی به کاما نیست.

ساختار جمله شرطی نوع اول

... + فعل ساده + will + فاعل، زمان حال + ... + فاعل + If

... زمان حال + فاعل + if + ... + فعل ساده + will + فاعل

این ساختار بیان کننده یک شرط و یا موقعیت ممکن و یک نتیجه محتمل است.

e.g If I find your sunglasses, I will tell you.

اگر عینک آفتابی شما را پیدا کنم به شما خواهم گفت.



e.g I'll phone you if I have time.

اگر زمان داشته باشم با تو تماس خواهم گرفت.

صفت فاعلی و مفعولی

صفت فاعلی

صفتی تأثیرگذار است که باعث به وجود آمدن حس و حالتی می شوند و به شکل «فعل + ing» ساخته می شود.

e.g The end of the game was exciting.

انتهای بازی هیجان انگیز بود.

e.g Her idea was interesting.

ایده اش جالب بود.

صفت مفعولی

این صفت به شکل p.p. است و احساس افراد را نسبت به افراد یا چیزهای دیگر نشان می‌دهد.

e.g We were all surprised.

همه ما شگفت‌زده شدیم.

e.g I was interested in her idea.

من به ایده‌اش علاقه‌مند شدم.

نگارش

مصدر

مصدر به صورت (فعل ساده + to) ساخته می‌شود.

to swim - to walk - to play

کاربردها

① از مصدر می‌توان به عنوان فاعل استفاده کنیم.

e.g To learn a language can be interesting.

یاد گرفتن یک زبان می‌تواند جالب باشد.

آقا ... ما داریم گیج می‌شیم!!!



چرا؟ این الان کجاش گیج‌کننده است؟



توی درس ۲ هم گفتیم که اسم مصدر می‌تونه در ابتدای جمله، در

نقش فاعل بیاد. حالا فرقیشون چیه؟



نگران نباش! هیچ فرقی ندارند. الان دیگه مشکلتون حل شد؟



ممنونم. مهربون کی بودی تو؟



به جای مزه ریختن به ادامه درس دقت کنید.



۲ بعد از افعال زیر می توانیم از «مصدر» استفاده کنیم.

معنی	فعل	معنی	فعل
انتظار داشتن	expect	انتخاب کردن	choose
به یاد آوردن	remember	تصمیم گرفتن	decide
سعی کردن	try	خواستن	want
تلاش کردن	attempt	قول دادن	promise
موافق بودن	agree	فراموش کردن	forget
یاد گرفتن	learn	منتظر ماندن	wait

e.g I want you to listen to him.

از شما می خواهیم که به (حرف) او گوش دهید.

نکته:

برای منفی کردن مصدر قبل از آن باید «not» به کار ببریم.

e.g I want you not to listen to him.

از شما می خواهیم که به (حرف) او گوش ندهید.

۳ بعد از صفت می توانیم، «مصدر با to» به کار ببریم.

معلوم و مجهول

جمله معلوم

جمله‌ای است که فاعل نقش مبتدی را بازی می‌کند.

e.g I ate a sandwich.

مفعول فعل فاعل

جمله مجهول

جمله‌ای است که مفعول نقش مبتدی را دارد.

e.g A sandwich was eaten

مفعول to be p.p.

تبدیل جمله معلوم به مجهول

- ۱ مفعول جمله معلوم به فاعل جمله مجهول تبدیل می‌شود.
- ۲ فاعل جمله معلوم را حذف می‌کنیم.
- ۳ متناسب با زمان جمله از فعل to be مناسب استفاده می‌کنیم.
- ۴ بعد از فعل to be از قسمت سوم فعل p.p استفاده می‌کنیم.

استاد ... ببخشید! من to be یادم رفته، لطفاً بگین این to be ها چی چی بودن؟



افعال to be عبارتند از:



am - is - are - was - were - be - been - being

برای درک بهتر به مثال زیر توجه کنید:

جمله معلوم: **Ali broke the window yesterday.**

فاعل فعل مفعول قید زمان



دیروز علی پنجره را شکست.

جمله مجهول: **The window was broken yesterday.**

مفعول to be p.p قید زمان

دیروز پنجره شکسته شد.

در جدول زیر زمان‌های مختلف به همراه ساختار مجهول آن‌ها را آموزش داده شده است؛ بنابراین به دقت این جدول را بخوانید.

زمان‌ها	ساختار مجهول	مثال
حال ساده	am / is / are + p.p.	The house is cleaned everyday. خانه هر روز تمیز می‌شود.
گذشته ساده	was/ were + p.p.	The house was cleaned yesterday. دیروز خانه تمیز شد.
حال کامل	have / has + been + p.p.	The house has been cleaned since you left. از زمانی که رفتی خانه تمیز شده‌است.

سوالات کوتاه

به آن دسته از سوالاتی که در پایان یک جمله می‌آیند و معمولاً برای کسب موافقت به کار می‌روند، سوالات کوتاه یا (Tag Questions) می‌گویند.

به این مثال‌ها دقت کنید:

e.g Ali is happy, isn't he?



علی خوشحال است، نیست؟

نکات

حالا این نکات را بخوانید:

① جمله‌ای که قبل از سؤال بیان می‌شود اگر مثبت باشد، سؤال به شکل منفی خواهد بود.

e.g She is writing a letter, isn't she?

② جمله‌ای که قبل از سؤال بیان می‌شود اگر منفی باشد، سؤال به شکل مثبت خواهد بود.

e.g It wasn't cold yesterday, was it?

③ زمانی که درخواست مؤدبانه‌ای داریم از won't استفاده می‌کنیم.

e.g Open the window please, won't you?

استاد این جمله " I am late, am not I? " درست است؟



خخخ ... نه. درست آن به شکل زیر است:



I am late, aren't I?

جملات مرکب

جمله ساده

جمله‌ای است که یک فعل دارد و یک مفهوم را بیان می‌کند.

e.g I can speak English.

من می‌توانم انگلیسی صحبت کنم.

جمله مرکب

جمله‌ای است که از بیش از دو جمله ساده تشکیل شده و با حروف ربط (so, or, but, and) به هم وصل می‌شوند.

e.g I can speak English, but I can't speak French.

من می‌توانم انگلیسی صحبت کنم اما نمی‌توانم فرانسوی صحبت کنم.

and

این حرف ربط به معنای «و»، فعالیت‌ها، احساسات و اطلاعات جدیدی را به جمله اول اضافه می‌کند.

e.g We went to the park yesterday, and we had a wonderful time.



ما دیروز به پارک رفتیم و اوقات عالی داشتیم.

but

این حرف ربط به معنای «اما»، تضاد و تفاوت را نشان می‌دهد.

e.g We went to the zoo last week, but we did not enjoy it.

ما هفته گذشته به باغ وحش رفتیم، اما لذت نبردیم.

or

این حرف ربط به معنای «یا»، دو انتخاب را نشان می‌دهد.

e.g We can eat our lunch at the restaurant, or we can have it at home.


ما می‌توانیم ناهارمان را در رستوران بخوریم یا می‌توانیم در خانه بخوریم.


so

این حرف ربط به معنای «بنابراین»، برای بیان نتیجه به کار می‌رود.

e.g That dictionary is expensive, so I can't buy it.

آن فرهنگ لغت گران است، بنابراین من نمی‌توانم آن را بخرم.

استاد ... من وقتی داشتم مثال‌ها را می‌خواندم فهمیدم که قبل از and و but و or و so شما از کما استفاده کردید این درسته؟ 

بله، باید قبل از and و but و or و so برای ربط دادن دو جمله از کما استفاده کنیم. 

Lesson 2

Look It Up

ضمایر موصولی

به who و whom و which و that ضمایر موصولی می‌گویند. این ضمایر به معنای «که» هستند و برای ربط دادن دو جمله به کار می‌روند.

who

فعل + **who** + اسم انسان

e.g The girl who talked to me yesterday was my sister.

دختری که دیروز با من صحبت می‌کرد، خواهرم بود.

whom

فاعل + **whom** + اسم انسان

e.g The girl whom you saw yesterday was my sister.

دختری که دیروز دیدی خواهرم بود.

which

فاعل + **which** + اسم غیر انسان

فعل + **which** + اسم غیر انسان

e.g This is the dress which she has bought in London.

این پیراهنی است که او در لندن خریده است.

e.g The book which is on the table is mine.

کتابی که روی میز است مال من است.



that

از ضمیر موصولی **that** می‌توانیم به جای هر یک از ضمائر موصولی **who** و **whom** و **which** استفاده کنیم.

e.g • The girl that talked to me yesterday was my sister.

- The girl that you saw yesterday was my sister.
- This is the dress that she has bought in London.
- The book that is on the table is mine.

جملات شرطی نوع دوم

از این جملات برای بیان یک موقعیت یا شرطی استفاده می‌کنیم که امکان انجام آن در زمان حال یا آینده وجود نداشته باشد. در این نوع جمله شرطی در قسمت جمله شرط زمان جمله گذشته ساده است و در جواب شرط زمان جمله نیز گذشته است. به ساختارهای زیر توجه کنید:

would

فاعل ساده + **could** + فاعل + زمان گذشته ساده + فاعل + **If**

might

would

زمان گذشته ساده + فاعل + **if** + فعل ساده + **could** + فاعل + **might**

e.g • If I had more time, I would help my friend.

اگر وقت بیشتری داشتم به دوستم کمک می‌کردم.

• I would buy a new house if I had more money.

اگر پول بیشتری داشتم یک خانه می‌خریدم.

نکته: در جملات شرطی نوع دوم به جای **was** از **were** استفاده می‌کنیم.

e.g If I were you, I would buy a new car.

اگر جای تو بودم یک ماشین جدید می‌خریدم.



پاراگراف

یک پاراگراف گروهی از جملات است که دربارهٔ یک موضوع هستند. یک پاراگراف می‌تواند به ما اطلاعات بدهد، راجع به عقیده‌ای صحبت کند، چیزی را برای ما توضیح بدهد یا یک داستان کوتاه بگوید. هر جمله در پاراگراف راجع به یک موضوع یکسان است. وقتی که می‌خواهید راجع به یک موضوع جدید مطلبی بنویسید باید یک پاراگراف جدید شروع کنید.

پاراگراف‌ها شکل خاصی دارند. در هر پاراگراف جملات یکی بعد از دیگری می‌آیند. در یک پاراگراف هر جمله با حرف بزرگ شروع می‌شود و با نقطه، علامت سؤال یا علامت تعجب به پایان می‌رسد.

جملهٔ موضوعی (topic sentence)

بیشتر پاراگراف‌ها دارای جملهٔ موضوعی هستند. این جمله که اکثراً در ابتدای پاراگراف می‌آید به توضیح موضوع می‌پردازد و یا ایده‌ای را جمع به موضوع هستند.

همیشه جملهٔ اول پاراگراف، جملهٔ موضوعی است؟



معمولاً، نه همیشه. یادتان باشد جملهٔ موضوعی می‌تواند آخرین جملهٔ متن باشد یا هر جای دیگر پاراگراف.



مجهول افعال کمکی

در درس ۱ با ساختار مجهول آشنا شدید. در این درس قرار است ساختار مجهول افعال کمکی را بشناسیم.

ساختار مجهول افعال کمکی

افعال کمکی + be + p.p.

e.g • The bill must be played before leaving the restaurant.

صورت حساب باید قبل از ترک رستوران پرداخته شود.

• Water can be converted into ice in cold weather.

آب می تواند در هوای سرد به یخ تبدیل شود.

• People should be informed of this danger.

افراد باید از این خطر آگاه شوند.

• He may be taught.

احتمال دارد او آموزش داده شود.



گذشته کامل

ساختار خبری

فاعل + had + p.p. + ...

e.g I had sent an email on October, 7th.

من ایمیل را در تاریخ ۷ اکتبر فرستاده بودم.

ساختار منفی

فاعل + had not + p.p. + ...

e.g I had not had a day off for weeks.

هفته‌هاست که به مرخصی نرفته بودم.

ساختار سؤالی

Had + فاعل + p.p. + ...?

e.g Had Ali lived in Paris before he studied art there?

آیا علی قبل از خواندن هنر، در پاریس زندگی کرده بود؟

ساختارهای مخفف

had را می‌توان به صورت مخفف (d) و had not را می‌توانیم به صورت مخفف (hadn't) بنویسیم.

e.g • I'd sent an email on October 7th.

• I hadn't had a day off for weeks.

نشانه‌های این زمان رو می‌شه لطفاً بگین؟



حتماً، مهم‌ترین نشانه‌های این زمان عبارتند از:



when – before – after – because

کاربرد

۱ برای بیان عملی در گذشته که قبل از عمل دیگر رخ داده است از گذشته کامل استفاده می‌کنیم.

e.g I had done my homework before my father arrived.

من قبل از آن که پدرم برسد، تکالیفم را انجام داده بودم.

جمله پشتیبانی (supporting sentence) و جمله نتیجه‌گیری (concluding sentence)

در درس ۲ شما با پاراگراف و جمله موضوعی آشنا شدید. در این درس با جملات پشتیبانی و نتیجه‌گیری آشنا می‌شوید.

جملات پشتیبانی بعد از جمله موضوعی می‌آیند. این جملات می‌توانند:

۱ ایده جمله موضوعی را توصیف کند.

۲ دلایل می‌آورند.

۳ مثال‌ها می‌آورند.

۴ یک داستان کوتاه می‌گویند.

جمله آخر در پاراگراف معمولاً یک جمله نتیجه‌گیری است. این

جمله ایده جمله موضوعی را تکرار می‌کند.